

ستاره سینما

۸۴۶

شماره ویژه ستاره سینما برای پرگفتاری فیلم

مغول‌ها

برنده جایزه مخصوص هیئت داوران پلاک طلایی بزبالدار

دومین جشنواره جهانی تهران

برنده جایزه مجمع فرانسوی سینماهای هنری تجربی



فروشگاه عتیقه

www:// atige.ir

@atige

atige.ir

وب سایتی متفاوت

ناگهان!

بطری اغلب و دکاها شیشه اسمیر نوف شد



فروشگاه عتیقه

[www:// atige.ir](http://www.atige.ir)

@atige

اعتبار و شهرت جهانی و دکا اسمیر نوف که باعالی ترین استاندارد امریکا در ایران تحت نظارت متخصصین خارجی تهیه میشود ، موجب شده که مارکهای دیگر محصولات خود را در قالب بطری اسمیر نوف عرضه کنند و باین تقلید بر امتیاز و برتری اسمیر نوف صحه گذاشتند ، آنچه قابل تقلید نیست ، محتوی اصل اسمیر نوف است که با امتیازات و مشخصات ویژه تهیه شده مطمئن ترین و پر فروش ترین و دکای جهانی است .

اسمیر نوف عیار سنجش مرغوبیت و دکاهاست .

خطر بزرگ برای سینمای ملی ایران!

گروه تازه‌ای از سینماگران «کانون ملی سینماگران راستین» را تشکیل دادند که با امکانات مالی فراوان، تأسیس یک شهر سینمایی و تهیه فیلم‌هایی بزرگ را در برنامه دارد.

موسسان این کانون ۳۰ تن هستند که از طرف یک شخصیت متنفذ که امکانات مالی ویژه‌ای در اختیار آنان گذاشته انتخاب شده‌اند.

سرمایه گذار دیگری اطمینان داده است چنانچه این کانون به هدفهای خود جامه عمل دهد به هر یک از اعضای کانون در برابر دریافت ۲۵۰ هزار ریال ۴ هزار متر زمین، یک گاو هلندی و ۵۰۰۰ عدد مرغ تحویل دهد تا اعضا از سود آنها تأمین کافی برای خود احساس کنند و به فیلمسازی بپردازند.

قسمتی از یک خبر که هفته گذشته در روزنامه‌های خبری، چاپ و منتشر شد.

همانطور که پیش بینی می‌شد دسته‌بندی‌های بی‌ثمر که فقط «تجزیه نیروها» حاصل آنست، منروز شده و راستین‌ها، پس از پیشروها روی کار آمده‌اند تا شاید راه تازه‌ای بکشایند و بانگ‌های عنوان تراشی، سینمای ما را نجات دهند. البته لازم بتوضیح است که اساس تشکیل گروه سینماگران پیشرو و نظرات اعضای تشکیل‌دهنده گروه مذکور، قابل احترام است اما با اینحال همانطور که بارها گفته‌ایم، دیگر بار بمناسبت دسته‌بندی جدید می‌گوئیم: سینمای واقعی، از شکم این قبیل صحنه سازها بیرون نمی‌آید و آنچه بیش از این مفاهیم ادعائی، حاصل میشود، جنک و ستیز «کلامی» است و نام سازبانی که صرفاً بر نظرات

و اغراض شخصی، و با زمینه‌های تبلیغاتی استوار است. شاید بگمان کسانیکه در امواج انشعاب و دسته بندیهای کلامی گرفتار شده‌اند: راه یافتن به فلسف خیرهای روز، می‌تواند چاره‌ساز باشد.

در حالیکه به تجربه ثابت شده - به ویژه در زمینه کارهای هنری - هیچکس تاکنون نتوانسته، از نردبان جنجال‌ها و خیر - سازی موفقی، به مرحله تکامل و موفقیت برسد.

از اینرو و با اتکاء به سوابق این قبیل پراکندگی‌ها می‌گوئیم:

«سینمای راستین» با بهره‌ری حاصل از نامداری و زمین داری حاصل نمیشود.

سینما در شرایط امروزی در صورتی راستین عمل می‌کند که سیلفه مردم را با ضرورت‌های اجتماعی و نکته‌های هنری و تکنیکی آشتی دهد و ضمن پرداختن به جذب بازار، رسالت فرهنگی و هنری خود را از نظر نور ندارد. سینمای راستین با مفهومی که بان اشاره رفت نمی‌تواند در منظقه‌ای که گروهی «زمین‌باز» احاطه‌اش کرده و در انتظار فرصت‌هایی برای افزایش قیمت زمین‌ها نشسته‌اند، پایگیرد و شکوفائی کند. سینماگرانی هم که زیر عنوان جدید «راستین» فرو رفته‌اند بهترین فرصت را در برابر چشمان آزمند زمین بزان کرج گشوده‌اند و شاید ناآگاهانه به سود آوری مثنی سودجو کمک کرده‌اند.

بنابراین دسته بندی اخیر که ما آن را «تجزیه جدید نیروها» تلقی می‌کنیم، اگر سود آور هم باشد برای صاحبان زمین‌هایی است که از شوق هالیوودی شدن «کرج» در پوست خود نمی‌کنجد!! و البته به متافع حاصل از افزایش قیمت زمین‌ها، بیش از تولد سینمای راستین چشم دارند و عشق می‌ورزند!

«ستاره سینما» که هر بار بمناسبت زیداد تازه‌ای، واقع بینانه اظهار نظر می‌کند، نمی‌تواند وجود هر نوع جبهه بی‌اثر و بی‌فایده‌ای را تریخش معرفی کرده و جانبدارش باشد. بهمین علت گاهگاهی می‌بینیم که «جبهه‌سازان» توقع دارند در برابر آنها جبهه مخالف کشانیم و هر نوع صحنه‌سازی را تحمل کنیم. اما چون ستاره سینما جبهه‌دار هیچ معرفی نیست و فقط به جنبه‌های خوب و بد قضایا نظر دارد، بنابراین جبهه‌های مد روز را بطور همه جانبه می‌سنجد و درباره آنها مسائلی را عنوان می‌کند که مثبت یا منفی است. بهر حال آنچه که بنظر ما ارزش موافقت و تحسین و جانبداری دارد، حاصل کار است نه ایجاد همه و جنجال و دسته بندیهای عقیم... و بر اساس همین طرز تلقی از «جبهه‌بندیهای کلامی» بار دیگر نظر اتحادیه تهیه کنندگان فیلم و سندیکای هنرمندان ایرانی را به ضررها ی حاصل از این اوضاع آشفته و به مبارزات بی‌اثر جلب می‌کنیم و مخصوصاً یادآور می‌شویم: اگر برای ظهور سینمای راستین همه نیروها به توافق نرسند، این قبیل دسته بندیها، زاینده‌تر و البته خطرناکتر از پیش‌اندازه می‌یابند و در نتیجه مرتباً عده‌ای از سینماگران، به ویژه جوانهای پرشور و حساس، از فرط ناچاری و امید راه یافتن به یک مسیر مطمئن و مفید، به یکی از این جبهه‌ها می‌پیوندند در حالیکه متأسفانه بیشتر سر در گم و ناراحت میشوند.

شک نیست که علت اساسی اینوضع آنستکه بسیاری از نیروهای سازنده، در صحنه تشکیلات و فعالیت‌های سینمایی کشورمان که کمتر به اصول و واقعیت متکی است، راه‌به‌چالی ندارد و سازنده و منعکس کننده آثار باارزش و افتخارآمیز نیست.

خواننده عزیز

اینک درست همان لحظاتی است که انتظارش را می‌کشیدیم، لحظاتی سرشار از سپاس و حق شناسی و امید به آینده‌ای لبریز از تلاش و کوشش و همه بمنظور عرضه مجله‌ای که برای خویشش در معیارهای جهانی را داشته باشد.

گروه همکاران ستاره سینما، با صداقت تمامی قلب خود، سپاس - گزار بوجه‌صمیمانه و موثری هستند که خواننده عزیز، در دوره جدید ستاره سینما در حق آن بی‌سوفول داشته‌اید.

راستی، اگر شما تا این حد خوب، متوق و اوشاد کننده و راه‌ما نبودید، و اگر با این محبت به کار سالم ما ارزش نمی‌گذاشتید، ما که با دنیای شرق و شور و هیجان سابقه‌ای دیرینا، در بحرانی‌ترین لحظات سینمای ملی، بقصد سازندگی آمده بودیم، چه می‌کردیم؟

تایید شما از روش و سبک و سیاق ستاره سینما در این مدت کوتاه، نقطه‌های روشن و درخشان صحر فعالیت‌های مطبوعاتی ما است.

این تایید نشان دهنده ایس واقعیت بود که کار سالم و پرهیز از حبسو بعضی هنوز هم خریدار بسیار دارد و می‌تواند بانگه آن فاسل‌های را که مطبوعات ایران از مطبوعات جهانی دارد، روز بروز کمتر کرد. و ما اینک براین اندیشه‌ایم:

ما می‌دانیم و شما نیز بهتر آگاهی که در شماره‌های گذشته مشکلاتی داشته‌ایم. گرانی و کمبود کاغذ، کارشکنی‌ها و جوب لای چرخ‌گذاشتن‌های سخیفانه و بسیاری معضلات دیگر اینان این مشکلات بودند و به همین دلیل چه بسیار پیش آمد که از مبارزه با آن دل‌سرد شدیم ولی درست در همین لحظات شما بانایید های ارزشمند و پر بارتر از راه رسیدید و تکلاشتید و نمواستید که دل‌سردی و یاس قوم و قدرتی پیدا کند. دیدید که طی این چند شماره، خوب را خوب نوشتیم و بد را بد توصیف کردیم. این حقیقت همان روشی بقیه در صفحه ۲۲

هفته گذشته بعادت تصادف با ایام سوگواری ماه محرم، ستاره سینما منتشر نشد

نشریه هفتگی

ستاره سینما

دارنده امتیاز: پارسلیان

شماره سی و یکم (دوره جدید) - مسلسل ۸۴۶

نشانی: خیابان ایرانشهر - چهارراه ثریا - شماره ۹۱ نشانی تگراهی: ستاره سینما

تلفن ۸۳۰۶۳۱ - صندوق پستی ۱۴۰۸۱۴

فیلم و کپی تصاویر رنگی و تراورهای متن از:

گروار سازی مهر ایران (۲۹۲۲۱۳)

چاپ: مازگرافیک (۸۲۶۱۵۰ - ۸۲۶۱۶۰)

چاپ افست تصاویر رنگی از: سازمان افست مازگرافیک

گفتگوی اختصاصی «ستاره سینما» با مهدی میثاقیه رئیس اتحادیه تهیه کنندگان فیلم ایرانی

وقتی از سینمای ایران صحبت می‌کنیم، بی‌آنکه خواسته باشیم از مهدی میثاقیه نیز سخن گفته‌ایم در یک توصیف‌مرد تاثیر گذار سینمای ملی است. این را چه پردازندگان سینمای پیشرو، چه خااک صحنه خوره‌های سینمای دیروز، هر دو به یک اندازه تایید می‌کند. مردی که شب‌نشینی در جهنم را آفریده، خاک را نیز تهیه کرد و این که مو را از ماست سرمایه میکشده گاهی دیده‌ایم که بی‌چشمداشت، فاتحه سرمایه کلانی را خوانده است تادریک آغاز دیگر، سودی معوی به سینمای کشورش برساند.

جمع اعداد است. از آن جمله انسان‌هایی است که خود ما ایرانی‌ها بهترین ضرب‌المثل را در باره‌اش داریم. از آن جمله مردهایی که گاه از در، دروازه داخل نمی‌شود، و گاه معبر تنگ سوزنی‌رایشت سر می‌گذارد.

بر این اساس درباره این مرد تاثیر گذار همواره نظرات متفاوتی داشته‌ام و یک روز - روزی که با دست پر به سینما آمدم - او را بخاطر جراتش، جسارتش و شوق و ذوقی که داشت تا بیکران سپاس تحسین کردم.

روز دیگر - روزی که در منجلاپ سینمایی ملی غلظتید - با تمام نفرتم، نفرتش کردم و او را مردی دانستم که باتکای مالی که دارد، می‌خواهد مالمنند سینمای ایران باشد.

روزی دیگر هم رسید که همه آن‌تروت را با صمیمیت و علاقه و اعتقاد راستین، به پردازندگان سینمای امروز سینمای پیشرو، سینمای سالم سپرد و این امر مرا به تحسین واداشت که حتی اگر بی‌انصاف هم بودم، همین احساس را پیدا می‌کردم.

بهر حال، استنباط و تلتی من از مهدی میثاقیه چنین بود، و بی‌آنچه

هر گز بحال آن توفیق نیافتیم این مساله بود که چرا هر جبهه‌ای در سینمای ملی گشوده شده، میثاقیه کانون آن بوده است؟

و بعد از خود پرسیده‌ام: این مرد که با تروش می‌تواند خوشگذران باشد، می‌تواند هر روز به شکلی و با هر شکل به مجمعی و یا به هر مجمع باشد و عیش و عشرت پیشه‌سازد، چرا اینجا مانده است و چرا برای کاری که دغدغه بیگان آن است، تا این حد خون دل می‌خورد؟!...

البته پاسخ این سؤال را هرگز نیافته‌ام و خودش در این باره می‌گوید: ... عاشق است و عاشق راه وروالی جز دیگران دارد. و من، حتی اگر مجبور شوم این مدعا را بپذیرم باید بلافاصله اعتراف کنم: این مرد، از عاشق‌ترین عاشق‌هاست!

.... بهمین علل همیشه از دیدار و گفتگو با او پرهیز داشتم، پرهیزی که شما هم نسبت به هر انسانی از این قبیل دارید، ولی هفته پیش وقتی در حاشیه مسائل مربوط به سینما، مسائل سندیکا، مسائل اتحادیه، مسائل آینده فیلم سازی در ایران، شایعات، موش‌دوانی‌ها و دخالت‌هایی در این مسائل، باز هم بنام مهدی میثاقیه کلید سل، پنج خط حامل سینمای ایران برخورد کردم، طاقتم طاق شد و به اشاره‌ای که از یک دوست بود، بدیدارش رفتم تادر یک اتاق در بسته، در خلوت یک صداقت‌انسانی، از او پرسیم، با او جدل کنم و احتمالاً مچ‌گیری کنم تا شاید امکان‌شناسایی وی را بر تریبی و تا حدی قابل قبول ممکن باشد به ویژه که شرایط و اوضاع و احوال، برای شناسایی هر چه بیشتر مهدی میثاقیه مناسبت و ضرورت‌های خاص را ایجاب کرده است... و ره آورد من از این دیدار شرحی است که می‌خوانید.

س. بشارت

قبل از گرفتن پول، احتیاج به شعور

سینما باید ارائه‌گر و فروشنده فرهنگ باشد به ویژه در جهان سوم که فیلم سازان، مسؤلیتهای مهم اجتماعی بعهده دارند

از سفر اصفهان آمده بودم و تقریباً بلافاصله به «مجمع عمومی سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی» رفتم.

در راهروهای موزه ایران باستان، صحبت از مهدی میثاقیه بود. یکی دونه را نشانه کرده بودند و پشت سرشان می‌گفتند: «اینه‌انماینده های میثاقیه هستند»! و چون دقیق‌تر شدم، زمزمه بود که: «... امکان دارد میثاقیه در این مجمع بنحوی و بنوعی مداخله کند!» و افسوس که برای سؤالات من و سایرین در اینمورد هیچ جواب صحیح و دقیقی بیان نشد!

و بهمین علت در اولین مرحله از گفتگوی خودم با میثاقیه، لازم دانستم همین مساله اشاره کرده و از او پرسیم:

● شایع بود خواسته‌ای در جریان برگزاری مجمع عمومی سندیکای هنرمندان که در دستور جلسه آن موضوع تشکیل اتحادیه هنرمندان گنجانده شده بود مداخله کنی؟

جرامن باید در کار مجمع عمومی سندیکای هنرمندان مداخله کنم؟! مخصوصاً که تلاش بخاطر هدفت بود که نه امروز، بلکه ۷ سال پیش، در نخستین جلسه سندیکای هنرمندان خود من به زبان آورده بودم. هفت سال پیش وقتی نخستین جلسه سندیکای هنرمندان تشکیل شد، من با تمام شوق و شور که برای باگرفتن این سندیکا داشتم، طی سخنانی گفتم: این سندیکا قدم اول است و من آرزوی روزی را دارم که بر حسب حرفه و نوع تخصص‌ها و همانند ممالک مرفقی دنیا، سندیکاهای جداگانه‌ای برای هر یک از حرفه های مختلف هنرمندان وابسته به امور نمایشی تشکیل شود که از مجموع سندیکاهای جداگانه هنرمندان و یا عنوان اتحادیه‌های تهیه کنندگان، گویندگان و صاحبان و مدیران سینما ها و استودیوها و غیره، مجامع کامل و قدرتمندی از تمام عوامل مربوطه بوجود آید.

خوب، وقتی این هدف بوده و برای اولین بار هم از زبان من شنیده شده است، چرا باید با آن مخالف باشم یا در جریان توضیح آن مداخله کنم؟! با اینهمه باید بگویم: من ضرورت مداخله در این جریان را احساس نکردم و گرنه چنانچه

لازم بود، حتی یک لحظه هم در دخالت آن تردید نمی‌کردم.

● این پاسخ در برگزیده این جواب هم هست که شما - نه شخص آقای مهدی میثاقیه - بلکه اتحادیه تهیه کنندگان فیلم ایرانی، نماینده‌ای در مجمع عمومی سندیکا نداشته‌اید؟

- نه! بهیچوجه، ضرورتی ایجاب نمی‌کرد که اتحادیه نماینده‌ای در مجمع عمومی سندیکا داشته باشد. با این حال خوشحالیم که آقای محمدعلی فردین عضو هیئت مدیره اتحادیه تهیه‌کنندگان به ریاست مجمع عمومی سندیکا انتخاب گردید و به بهترین نحوی جلسه را اداره کرد.

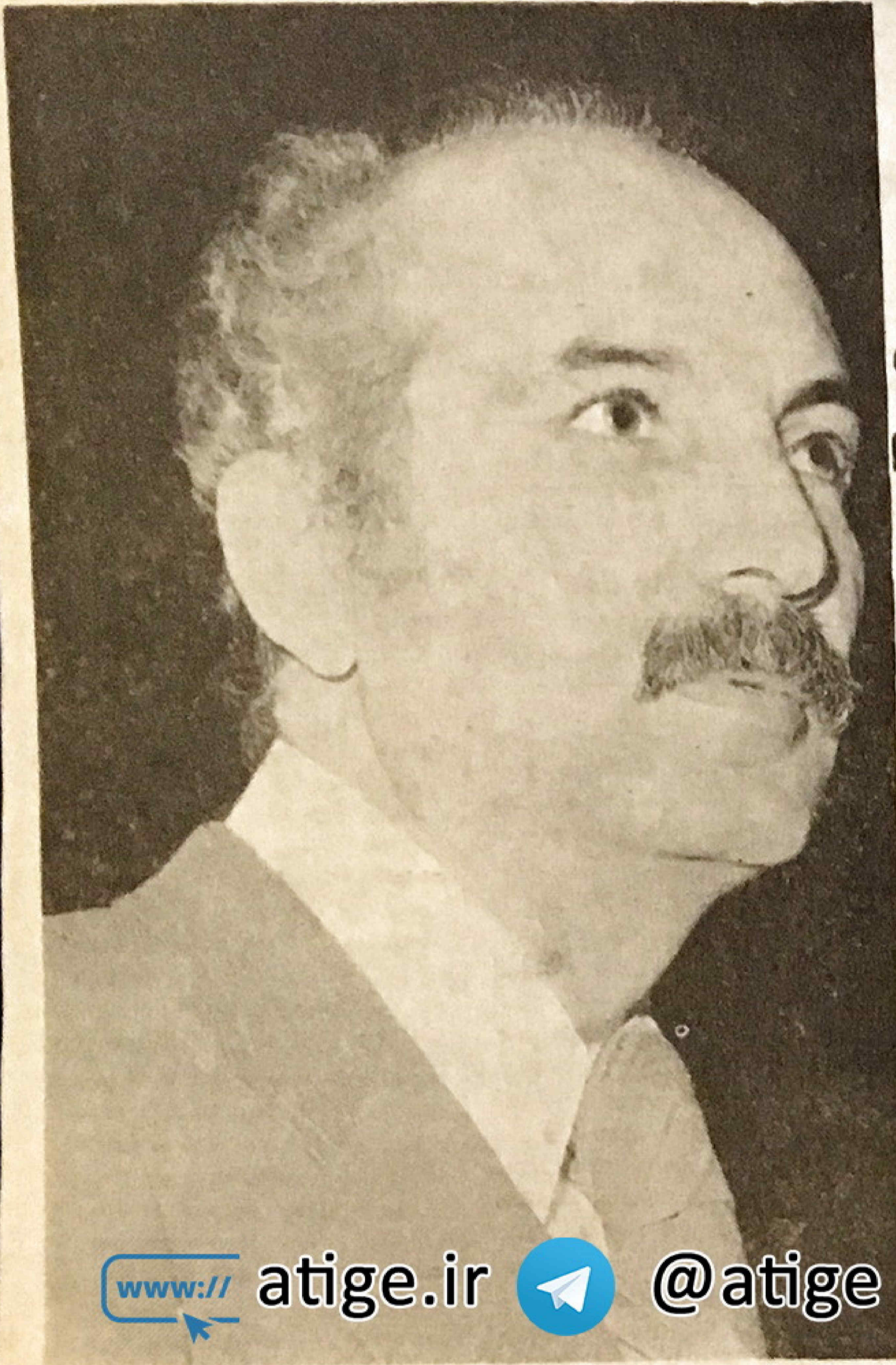
● صحبت اتحادیه شد، من می‌خواهم بدون تعارف و پرده‌پوشی، چندسؤال مطرح کنم و البته متوقع هستم که چند جواب صریح و صادقانه هم بشنوم! موافقت؟

- من با مجامعه و پرده‌پوشی میانه‌ای ندارم. رک می‌گویم و دوست دارم رک هم بشنوم!

● در مجمع عمومی سندیکای

هنرمندان، اتحادیه تهیه کنندگان فیلم ایرانی نیز از حمنه در امان نماند. این حمله‌ها گاه متوجه تهیه کننده بعنوان سرمایه‌گذار فیلم بود و گاه اتحادیه مورد نظر فرار میگرفت. حتی یکبار منوچهر انور که از جانب گروه پیشروها صحبت می‌کرد، در ذات اتحادیه شک کرد و گفت: این ذات اتحادیه نمی‌تواند بمفهوم قانونی اتحادیه باشه چون از دو یا چند سندیکا موجودیت نیافته است. در این باره چه می‌گوئید؟

- اگر آقای انور، دانسته این حرف را زده باشد جز آنکه اظهار ناسف کنم حرفی ندارم. اتحادیه تهیه کنندگان فیلم ایرانی ۲۰ سال پیش به ثبت رسیده و اگر ایراد و اشکال قانونی در کار بود مقامات مسئول پیش از تصویب و ثبت اساستامه آن متوجه می‌شدند. ظاهراً آقای منوچهر انور و کسانی که این ایراد را دارند، متوجه نشده‌اند که برای اتحادیه و تشکیل آن علاوه بر آنکه دو یا چند سندیکا می‌توانند گردهم آیند، چند کارگاه، یا چند بخش خصوصی نیز شایستگی



● «مهدی میثاقیه» برای نخستین بار درباره شایعات مداخله خودش و اتحادیه تهیه کنندگان فیلم‌های ایرانی در امور مربوط به سندیکای هنرمندان ، اطلاعات و توضیحاتی جالب در اختیار مجله ستاره سینما گذاشته است .

● طرح جدید سندیکای هنرمندان
راهفت سال قبل من پیشنهاد کردم
● سینماگران پیشرو را دوست دارم
و با نوع کار آنها موافقم اما بخاطر
حفظ منافع سندیکای هنرمندان از
همکاری با آنها خود داری کردم

سینمایی داریم

تعمدام می‌سازد . نخستین مرحله‌ی این ضوابط اینست که کما لنها به اعضای سندیکا سفارش کار بدهیم و وقتی شما عضو سندیکا نباشید، همکاری ما میسر نخواهد بود .

● آنها چه کردند و شما چه راهی در پیش گرفتید ؟

– توصیه من جدی تلقی نشد و آنها استعفا دادند و استعفا خود را نیز پس نگرفتند . با اینوضع من باید چه می‌کردم !! به قیمت بیکار شدن عده‌ای ، استودیو میثاقیه را تعطیل کردم و اکنون ۸ ماه است که استودیو میثاقیه عملاً تعطیل است چون فیلمسازانی که من میخواستم نمی‌توانستم با آنها کار کنم ، در ردیف استعفاء دهندگان بودند . به اعتبار قولم و به اعتقاد شرف حرفه‌ام به آنها کار ندادم و به سندیکا و قولی که به آن‌ها داده بودم وفادار ماندم .

● ... و حالا چه می‌کنید ، حالا که آنها از آسیاب افتاده و بچه‌های پیشرو به سندیکا پیوسته‌اند ، آیا آمادگی ادامه خدمات سینمایی خود را دارید ؟

– دوستان پیشرو که دوستان خوب سینما هستند ، برگشته‌اند و راه برای فعالیت و سازندگی نرسیدن به یکسینمای خوب و لایق هموار شده است . من پس از بازگشت آنها به سندیکای هنرمندان با

تشکیل اتحادیه را دارم . هم چنانکه در حال حاضر حدود هفتاد اتحادیه رسمی و ثبت شده وابسته به اتاق بازرگانی تهران می‌باشند .

● و حالا ، دقیقاً بگوئید نه موضع شخص مهدی میثاقیه که از دیگر سو رئیس اتحادیه تهیه کنندگان فیلم ایرانی است ، درباره اشعاب سینماگران پیشرو از سندیکای هنرمندان از چه قرار بوده است ؟

– من در حیطه علائق و همبستگی‌هایم با سینما ، سینماگران پیشرو را دوست دارم و صد درصد با کار و نوع فعالیت هنری آنها موافقم . حداقل این است که از ۱۰-۱۲ نفر اعضای این کانون ۶-۷ نفر از آنها در همین استودیو کارسازنده و خلاصه داشته‌اند و خود آنها گواه هستند که استودیو میثاقیه و شخص من مشوق ، حامی و فراهم آورنده خواست‌های آنها بوده‌ایم . صدالبته من با اشعاب موافق نبودم ، چون در پراکندگی ، نیروها تضعیف می‌شود و کاری از پیش نمی‌رود ، اما وقتی آنها میخواستند جدا شوند ، نخستین توصیه من این بود ... اگر ضروری میدانید کانون سینماگران پیشرو را تشکیل بدهید ولی از سندیکا بیرون نیابید . اتحادیه ضوابطی دارد و شخص من به سندیکای هنرمندان قول‌هایی داده‌ام که شرف حرفه‌ای و وجدان انسانی ، مرا ناگزیر به اجرای

www:// atige.ir @atige

وضع و اثرات مثبتی داشته باشد ولی دیدم که اعضای هیئت مدیره سندیکا در يك بحالی و رخوت فرورفته‌اند . من هیچ وجه قصد اهانت نداشتیم و فقط میخواستیم لکان و هشجاری به آنها داده باشم تا جنبشی در آنها بوجود آید ، و خیلی خوشحالم که این جنبش بلافاصله بوجود آمد و نتایج خوب و مثبتی در پی داشت .

بعضی از آنان قراردادهای لازم را منعقد نمودم و انشاءاله از اردیبهشت ماه آینده کارها را از سرخواهم گرفت .

● آقای میثاقیه ، من از شما در حیرتم ! شما بخاطر قول و تعهدتان به سینماگران انشعابی کار ندادید و به سندیکا احترام گذاشتند اما در همان ایام به هیات مدیره همین سندیکای هنرمندان اهانت کردید ؟

– همه میدانند و شاید شما بهتر بدانید که من نسبت به سینمای ایران تعصب دارم مخصوصاً در ایامی که من در این راه گام نهادم ، حتی صور شرایط نامساعد هم جهنی بود اما نهراسیدم و با وجود تمام اشکالات و ناراحتی‌هایم و ساختم ، و بعنوان يك دوست ، و يك بار صمیمی در کنار تک تک اعضای این خانواده خدمت کردم . بر این اساس همواره معتقد و علاقمند بوده‌ام که سندیکای هنرمندان بایستی برای بهبود و پیشرفت سینمای ایران ،

● اثر قول ما در مورد رد نشدن هنوز پابرجا باشد ، می‌خواهم سوال کنم ، روابط اتحادیه تهیه کنندگان فیلمهای ایرانی با وزارت فرهنگ و هنر بر چه منوالی است ؟

روابط اتحادیه تهیه کنندگان فیلم ایرانی وزارت فرهنگ و هنر حسنه و منطقی است و تقاضای من از هر زمان دیگری وجود دارد . این تقاضای من توانه سازنده باشد و سازندگی بسود سینمای ملی است .

فیلم در صفحه ۲۲

سیاس



- امسال شش فیلم نمایش داده نشده در مسابقه شرکت خواهد کرد
- احتمالاً پنج منتقد بزرگ خارجی برای شرکت در جشنواره دعوت خواهند شد
- شازده فیلم معروف تاریخ سینمای ایران در مروری در تاریخ سینمای ایران نمایش در خواهد آمد
- سیصد هزار ریال جایزه برای سازندگان فیلمهای هشت میلیمتری

■ اینک دو ماه از آغاز فعالیت ششمین جشنواره سینمایی سیاسی می گذرد. در طی این مدت شورای عالی برگزاری جشنواره، طی شش جلسه که تشکیل داده اند، هر هفته با هم اقدامات انجام شده در زمینه برگزاری جشنواره پرداخته و تصمیمات تازه تری اتخاذ میکنند تا مرحله اجرا درآید.

در طی هفته های اخیر شورای عالی برگزاری جشنواره که مرکب از چهارده تن افراد صاحب صلاحیت در زمینه کار سینما می باشند دقیقاً بطرح برنامه های تازه ای که بتواند سیاس را بعنوان یک رویداد ملی سینمایی بجهان شناساند، پرداخته اند و در هر موردی با بحث و بررسی های همه جانبه تصمیم گرفته اند، بهمین علت است که می توان گفت امسال بیش از هر سال سپهر دارای شکوه و اوج بیشتری خواهد بود و با اهمیت و آلاوری برتر خواهد شد.

از سوی دیگر از آنجاکه سپس تنها معرفی سینمای ملی ایران می پردازد و از آنجا که امسال اتحادیه تهیه کنندگان فیلم ایرانی همکاری همه جانبه ای را با سپاس آغاز کرده است فرصت مناسبی است که سینمای ایران بتواند خود را نشان دهد و بصورت یک سینمای مترقی و پیشرفته در جهان چهره نماید و بهمین جهت کوشش بسیار خواهد شد که امسال از طریق دعوت سینما نویسان و منتقدین فیلم از سراسر جهان با صرف هزینه های گزاف سینمای ایران بطور کامل بجهانیان شناسانده شود. در آخرین جلسه شورای عالی برگزاری بر اساس پیشنهاد یکی از اعضای شورا، پس از بحث و گفتگوی بسیار تصمیم گرفته شد که امسال سفر از منتقدین معروف نشریات معتبر جهان به ایران دعوت گردند تا ضمن دیدار از فیلم های مروری در تاریخ سینمای ایران که فرصت بسیار مناسبی برای همگان خواهد بود، فیلمهای ساخته شده در ایران را

که توسط بخش خصوصی تهیه شده است از نزدیک مشاهده کنند و طی جلسات مشترک خود با انتخاب بهترین های سال اقدام و دیپلم هایی ببرندگان اهداء نمایند.

در سال های گذشته مجمع منتقدین ایرانی فیلم، سه دیپلم به بهترین فیلم، بهترین کارگردان و بهترین هنرپیشه سال اهدا مینمود که امسال این برنامه بطرز گسترده تری انجام و منتقدین ایرانی همراه با منتقدین خارجی اقدام باهدای دیپلم های سیاس خواهند نمود.

■ همانگونه که در هفته های قبل نوشتیم امسال با تغییراتی که در نحوه ی فیلمهای شرکت کننده در جشنواره داده ایم، فیلمهایی را که تا پایان اسفندماه امسال آماده نمایش باشد در جشنواره سیاس شرکت خواهیم داد، با بررسی هایی که انجام یافته است، امسال در حدود شش فیلم حائز اهمیت تا اواخر امسال آماده نمایش خواهد شد که جهت شرکت در جشنواره دعوت خواهند شد. این اقدام موثر سیاس بنحو بی سابقه ای تولید هیجان در میان کارگردانان و تهیه کنندگان فیلم های ایرانی نموده است، زیرا با احتمال اینکه این فیلمها با دریافت جایزه ای بتوانند موقعیت ممتاز تری از جهت نمایش بدست آورند، سبب خواهد شد که از سال آینده فیلمسازان ایرانی فیلم های برجستگتری برای نمایش در جشنواره تهیه نمایند.

امسال علاوه بر فیلمهایی که تا پایان امسال نمایش داده خواهد شد فیلمهای دیگری چون صدای صحرا - غریبه و مهم - زیر پوست شب - زنبورک - گنج - یک اتفاق ساده - برهنه تا ظهر با سرعت آماده نمایش بوده و خواهد شد که احتمالاً در جشنواره شرکت خواهند کرد و از این نظر سیاس از امسال دارای مزیت تازه ای نسبت بسال های قبل خواهد شد.

■ مسئله اختصاص دادن سیصد

هزار ریال وجه نقد بفیلمسازان هشت میلیمتری تولید هیجان و رقابت مسابقه ای مابین جوانان نموده است و از یک ماه قبل که خبر این مطلب در ستاره سینما منعکس گردیده است هیجان زاید الوصفی میان سازندگان این نوع فیلمها بوجود آمده است و گروه دیگری نیز علاوه بر اینها اقدام بساختن فیلمهای هشت میلیمتری برای شرکت در جشنواره سیاس نموده اند که تردید نیست در این زمینه سینمای آزاد با شبکه وسیع خود در سراسر شهرستانها همکاری مداومی را با سیاس بعمل خواهد آورد.

از آنجائی که فیلمسازان هشت میلیمتری شکوفه های راستین سینمای آینده ایران هستند، اتحادیه تهیه کنندگان مصمم گردیده است که امسال سه جایزه نقدی ببرندگان اول تا سوم فیلم های مزبور اهدا نمایند.

نفر اول برنده یکصد و پنجاه هزار ریال وجه نقد، نفر دوم برنده یکصد هزار ریال وجه نقد و نفر سوم پنجاه هزار ریال وجه نقد دریافت خواهند داشت و این امر میتواند بنحو موثری در گسترش سینمای آماتور در کشور تأثیر گذارد.

از این پس هر هفته خدمانی را که در تهران و شهرستان ها در زمینه ساختن فیلمهای کوتاه مدت چاپ خواهیم کرد ناشاید تأثیر این اقدام بزرگ و موثر سیاس در بسط فیلم و سینما در بین جوانان کشورمان باشیم.

■ امسال در برنامه مروری در تاریخ سینمای ایران، ۱۶ فیلم معروف که هر کدام مبداء تحول در سینمای ایران بوده اند انتخاب شده است تا هر روز دو فیلم بمعرض نمایش عمومی درآید. در میان این ۱۶ فیلم، آثاری وجود دارد که مبین پیشرفت سینمای ایران خواهد بود بخصوص آن که تلاش در آن است فیلم «دختر لر» که هزاران نفر خواهان دیدار آن می-

باشند بنمایش در خواهد آمد. مروری در تاریخ سینمای ایران از جمله اقدامات گسترده و بسیار موثر سیاس در سال جاری است که سخت از هم اکنون توجه علاقمندان سینما را برانگیخته است. در هفته بنده لیست کامل فیلمهای مروری در تاریخ سینمای ایران را منتشر خواهیم ساخت.

■ امسال دو سینمای بزرگ تهران با سیاس همکاری خواهند داشت و طی هشت شب که جشنواره برقرار میگردد یک سینما فیلمهای شرکت کننده در مسابقه را بنمایش در میآورد و یک سینما فیلمهای مروری در تاریخ سینمای ایران. این دو سینما عبارتند از سینما کاپری که محل برگزاری رسمی فستیوال است و هر شب دو فیلم در طی شش سانس نمایش خواهد داد و سانسهای ۷ و ۹ بعد از ظهر سانسهای رسمی جشنواره است که با حضور هنرمندان فیلم، هیئت داوران و منتقدین ایرانی و خارجی برگزار میگردد و دیگری سینما کسری خواهد بود که عهده دار نمایش فیلم های مروری در تاریخ سینمای ایران گردیده و هر روز دو فیلم را به نمایش در خواهد آورد.

■ در هفته آینده دومین جلسه مطبوعاتی جشنواره سیاس برگزار خواهد شد که در آن علاوه بر نمایندگان مطبوعات داخلی، از نمایندگان خبرنگاران خارجی نیز دعوت بعمل خواهد آمد تا از نزدیک با اقدامات شورای عالی برگزاری آشنا شده و از برنامه های جشنواره مطلع گردند.

مطبوعات تهران اینک بیش از گذشته باین امر توجه نشان میدهند و میکوشند که در درج خبرها و مطالب مربوط به سیاس از یکدیگر پیشی جویند و البته بعضی از مطبوعات نیز باتقاد پرداخته و نکات منفی دوره های گذشته را بجاگویند می کنند.

بقیة در صفحه ۲۴



ویژه نامه «ستاره سینما» برای بزرگداشت:

مغول ها

- * برنده جایزه مخصوص هیئت داوران «پلاک طلائی بزبالدار» دومین فستیوال بین المللی فیلم تهران
- * برنده جایزه مجمع فرانسوی سینما های هنری و تجربی A.F.C.A.E
- * تحسین شده در فستیوال پزارو - ایتالیا
- * یکی از سه فیلم مهم فستیوال پزارو از جانب منتقدین فیلم
- * تحسین شده در فستیوال مانهایم (آلمان) و شیکاگو
- * انتخاب شده برای فستیوال بین المللی مونت کارلو از ۲۱ بهمن تا ۲ اسفند ۱۳۵۲
- * انتخاب شده برای فستیوال بلگراد ۱۹۷۴ (یوگسلاوی)
- * انتخاب شده در جشن هنر شیراز ۱۹۷۳

دیدگاه اودر مسائل سینمایی ، با موارد اجتماعی و نکات هنری و تکنیکی در يك خط مشترك پیش می رود و در نتیجه اگر قرار باشد يك فیلم تجاری هم بسازد، بازهم موفق به تهیه اثری میشود که شامل و دربرگیرنده تمام اصول لازم خواهد بود . مسلم است که چنین جوان هرمند و دانشمند را صمیمانه ارج می نهیم ، به ویژه آنکه بدون کمترین تظاهر و ادعا ، احترام و تحسین تمام صاحب نظران مرفقی و مطلع جهان را سوی خود و سوی جامعه و کشور ایران جلب کرده است . بر این اساس و با بهترین آرزوها برای گسترش فعالیت های پرویز کیمیای ، با افتخار او کف می زنیم و هورا می کشیم .

سیامک پورزند

چون همه می دانیم که بسیاری از آدمهای برمدعا ، از این امکانات باسانی بهره مند شده اند ، اما حاصل کارشان هیچ و بوج بوده است!

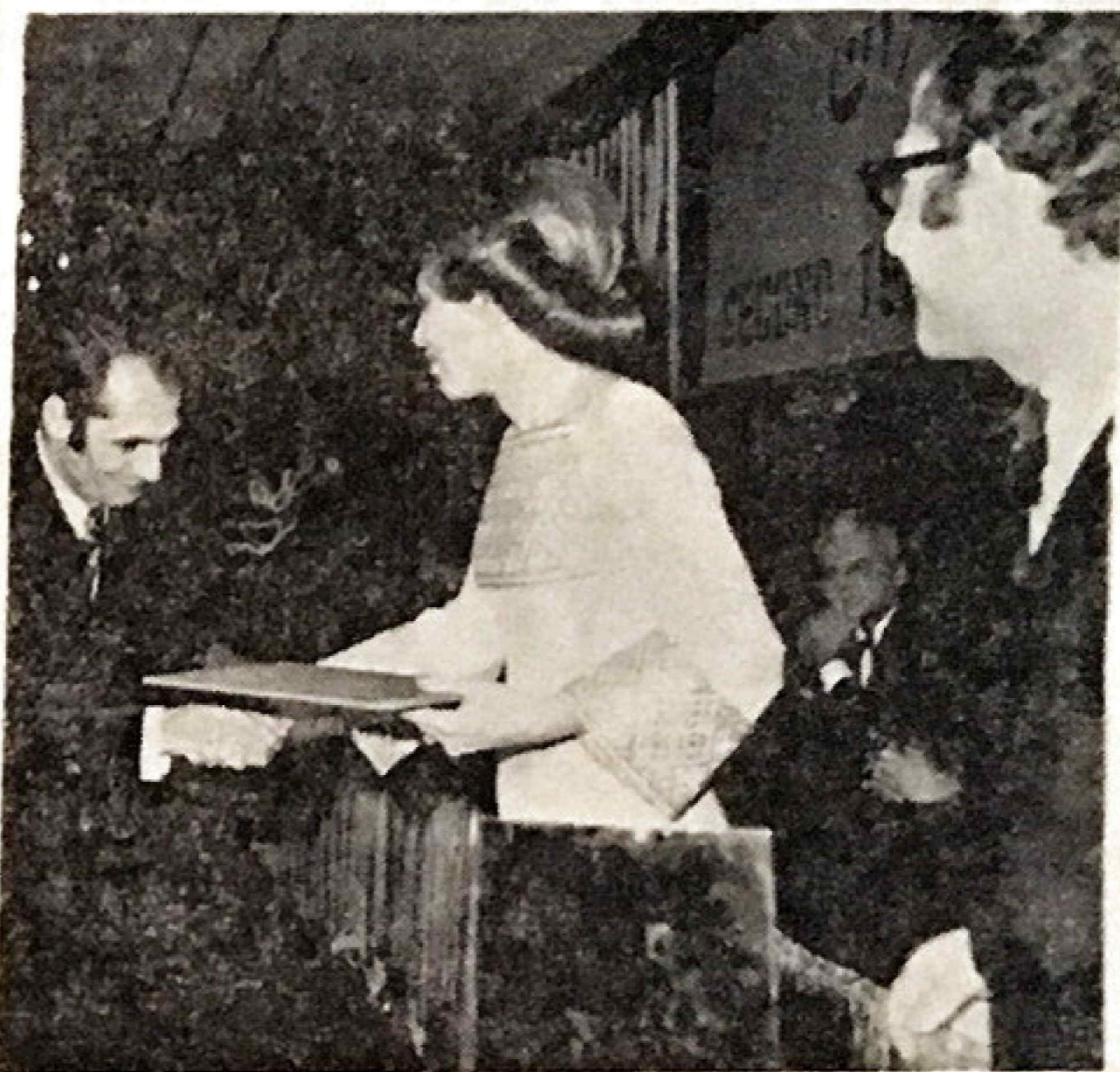
کیمیای که علاوه بر «مغول ها» فیلم های کوبنده و موثر دیگری همچون «یاضامن آهو» ، «پ مثل پلیکان» و چند نمونه با ارزش دیگر را در نهایت ظرافت و استحکام همه جانبه ساخته و پرداخته ، جوانی است با درخشش های گونه گونه و با خصلت هایی که اگر در يك انسان آگاه جمع باشد، حاصل و نتیجه اش ، تجلی آثار است نظیر آنچه او عرضه و ارائه کرده است .

بی تردید و البته با توجه به سوابق کیمیای ، براحتی میتوان گفت که او می تواند تحت هر شرایطی ، ذوق و دانش و تجربه خود را بکار گیرد . چون

فیلم بر انگیزنده و موثر «مغول ها» انتشار این ویژه نامه را باعث شد. زیرا مغول ها یک رویداد مهم سینمایی است. رویدادی که بتول سینماشناسان قابل قبول جهان می تواند سینمای معاصر را در مسیر تازه ای رهنمون باشد. سرفرازیم که روشنگر این مسیر یک جوان با ذوق ، مطلع و فعال ایرانی است که سرشار از تواضع و فروتنی ، هیچ ادعای بیموردی ندارد و با تمام وجود از تظاهرات و گزافه گوئی های رایج متنفر است .

هر چند بتول گروهی از منفی بافان حرفه ای ، «مغول ها» حاصل پول و امکانات تلویزیون است اما از نظر کسانی که به ارزش های هنری واقف هستند ، این مدعا برای رد ذوق و دانش و اصالت دید «پرویز کیمیای» دلیل موجه ای نیست -

پرویز کیمیاوی



● علیاحضرت شهبانو ، در مراسم بخش جوایز برندگان دومین جشنواره جهانی فیلم تهران ، ضمن ابرازتقدیر مخصوص نسبت به «پرویز کیمیاوی» جایزه او را اعطاء فرمودند .

پرویز کیمیاوی در سال ۱۳۱۸ در تهران متولد شد و پس از گرفتن دیپلم متوسطه رهسپار پاریس گشت و طی سالهای ۱۹۶۳-۱۹۶۰ رشته فیلمبرداری را در «وژیارد» با موفقیت به پایان رسانید و بلافاصله به مدرسه سینمایی «اید» رفت و در رشته کارگردانی طی سالهای ۱۹۶۳-۱۹۶۵ از این مدرسه فارغ التحصیل شد.

سپس به خدمت تلویزیون فرانسه درآمد و مدت سه سال در این مرکز به فعالیت پرداخت و با کارگردانانی چون:

Stellio Lorenzi و Averty

و Jean Paul Carerre

به کار کرد و در همین هنگام - دو فیلم کوتاهش: «ژان مقدس ایرانی» از نقاشی های حسین زنده رودی و «بازار دستفروشان» در فرانسه ساخته شده بود ، همراه با فیلم های کوتاه سایر فارغ التحصیلان اینک ، در سینماک پاریس به نمایش درآمد .

پرویز کیمیاوی در سال ۱۹۶۸ به ایران بازگشت و به استخدام تلویزیون ملی ایران درآمد و در اولین گام ، سپس «پژوهشی ژرف و ...» را که «آرپی آواسیان» برای جشن هنرشیراز کارگردانی کرده بود ، برای تلویزیون ضبط کرد که بسیار مورد توجه قرار گرفت .

پس از آن در قسمت پژوهش تلویزیون ملی ایران که «فریدون رهنما» مسوولیتش را به عهده داشت ، شروع به ساختن فیلمهای کوتاه کرد و در این راه به اقصی نقاط ایران سفر کرد تا موفق شد چند فیلم مستند ارزنده تهیه کند که از آن جمله فیلمهاییست از استان خراسان .

پرویز کیمیاوی پس از تهیه این فیلمهای کوتاه و کسب جوایز و افتخارات متعدد ، اولین فیلم بلند خود را بانام مغولها برای تلویزیون ملی ایران ساخت و این فیلم افتخاری است برای تاریخ سینمای ایران .

فیلمهای کوتاه :

- ۱- بازار دستفروشان (فرانسه)
- ۲- ژان مقدس ایرانی ، از نقاشیهای زنده رودی (در فرانسه)
- ۳- تپه های فیطریه
- ۴- جشن هنر شیراز
- ۵- یاضامن آهو
- ۶- پ مثل پلیکان

فیلم های مستند :

- ۱- مسجد گوهرشاد
- ۲- بازارهای مشهد
- ۳- از قوچان تا بجنورد
- ۴- گر بلا علی یگانه

این چهار فیلم که در قسمت پژوهش تلویزیون ملی ایران ساخته شده تاکنون نمایش داده نشده است .

فیلم بلند :

مغولها

جوایز و افتخارات :

● یاضامن آهو :

برنده جایزه بزرگ A.B.U برنده جایزه مخصوص هیئت داوران از فستیوال مونت کارلو - برنده جایزه منتقدین بین المللی در فستیوال مونت کارلو

● جشن هنر شیراز (شیراز ۷۰) :

برنده جایزه دلفان برنز از فستیوال بین المللی فیلمهای آموزشی - پ مثل پلیکان :

برنده جایزه مخصوص منتقدین از فستیوال بین المللی مونت کارلو - موناکو

برنده جایزه سکه نقره ای از فستیوال بین المللی نیون Nyon - سوئیس

برنده جایزه رادیو و تلویزیون سوئیس بخاطر حساسیت های شاعرانه فیلم

انتخاب شده به عنوان یکی از ده فیلم تاریخ سینمای ایران از جانب منتقدین ایرانی

● مغولها :

برنده جایزه مخصوص هیئت داوران پلاک طلایی بزالداد دومین فستیوال بین المللی فیلم تهران

برنده جایزه مجمع فرانسوی سینماهای هنری و تجربی

A. F. C. A. E. تحسین شده در فستیوال پژرو -

ایتالیا Pesaro یکی از سه فیلم مهم فستیوال پژرو از جانب منتقدین فیلم تحسین شده در فستیوالهای مانهایم آلمان و شیکاگو انتخاب شده

برای فستیوال بین المللی مونت کارلو از ۲۱ بهمن تا ۲ اسفند ۱۳۵۲ انتخاب شده برای فستیوال بلگراد ۱۹۷۴ (یوگسلاوی) انتخاب

شده در جشن هنرشیراز ۱۹۷۳



فعالیت های جنبی :

- عضو ژوری بین المللی هشتمین فستیوال کودکان ونوجوانان تهران
- عضو ژوری چهارمین جشنواره سینمای آزاد - تهران
- ایجاد فستیوال موازی همزمان بادومین جشنواره فیلم تهران.
- معرفی سینمای ۸ میلی متری و فیلمهای کوتاه و بلند ایرانی به منتقدین خارجی

اظهار نظر منتقدین و صاحب نظران ایرانی درباره‌ی مغولها

يك مقدار «پانی»ها را از بین برده‌است. امروزه تلویزیون یکی از اعضای خانواده می‌باشد بی‌آنکه هیچ توجیهی برایش داشته باشیم، پرداخت فیلم خوب بود. نظر من بیننده معمولی هایل نیست که به پاساژهای پردرین برخورد کند و اینکه باین نکته توجه می‌شد.

بدترین شعرها شعریست درباره شعر و بدترین سینماها سینمائی درباره سینما فیلم مغولها سن‌تری بود که سرمبنای آن تر و آنتی‌تر ساخته شده بود در حالیکه مرادیم سن‌تر معلول است نه علت!

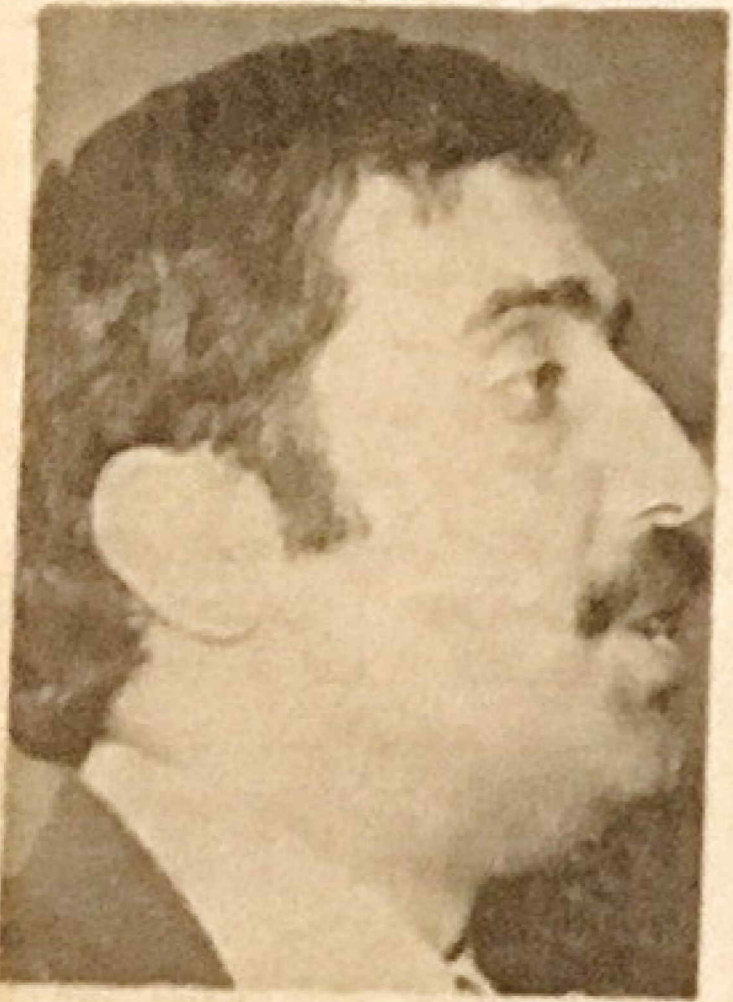
کیومرث منشی زاده

«مغولها»ی پرویز کیمیای، فیلم خویشت ...

دکتر خوشنام

مغولها محققا برای من يك فیلم غیر منتظره بود این حالت وقتی تشدید شد که متوجه شدم کماصلا نمی‌توان قسم مغولها را با کلام تعریف کرد و درباره‌اش بحث کرد بطوریکه در پایان فیلم اگر کسی از ما بپرسد، چه دیده‌ای؟ نمی‌توان جواب داد و بنابراین اعتیازی که می‌خاند آنست که «مغولها» يك حس جدید، شدگی و يك حس از دست رفتگی را در انسان آقا می‌کند.

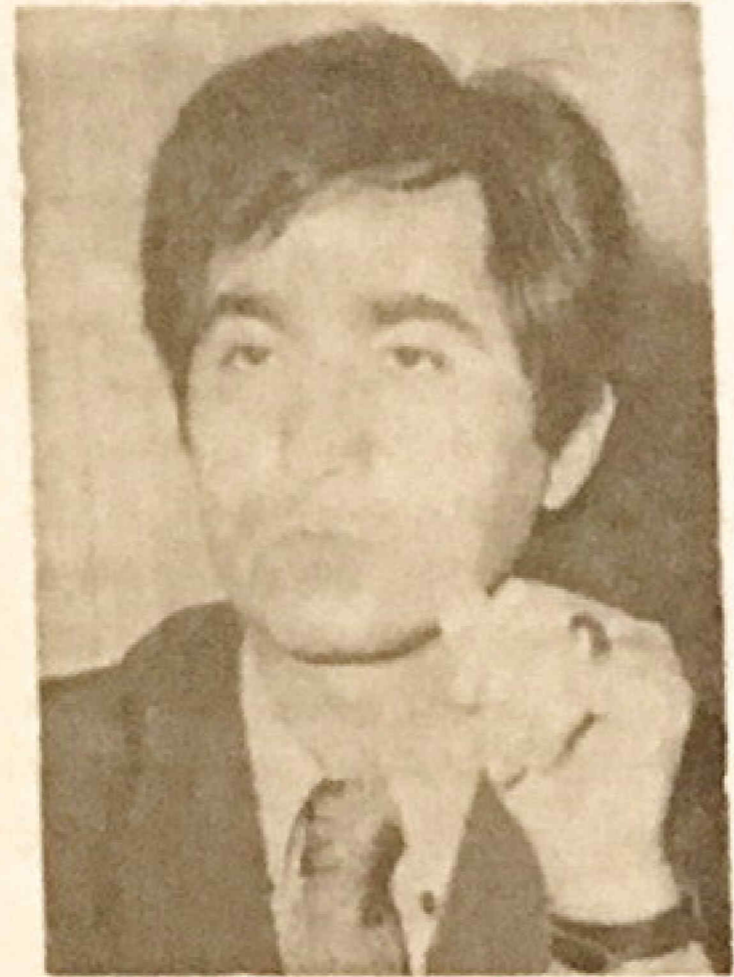
تصور می‌کنم مغولها درباره تمدن‌های گذشته و روزگارانیکه محکوم به فراموشی هستند ز روایتگر و حکایتگر بسیار خوبی است و من حتی ندیدم که خود سازنده



این فیلم هم بتواند این مساله را توضیح دهد چرا که این فیلم اصولا توضیح برنمی‌دهد.

در هر حال من توان گفتم مغولها دو تاریخ سینمای ایران فیلمی است که مفاهیم خودش را القا می‌کند آیا ایرانیان تصویر است؟ من نمی‌دانم، عمیقتر می‌دانم که دو این حس غریب و حیفا شدگی و این بهم ریختگی زمانها من هم سازنده‌اش شریکم.

محمدعلی سپانلو

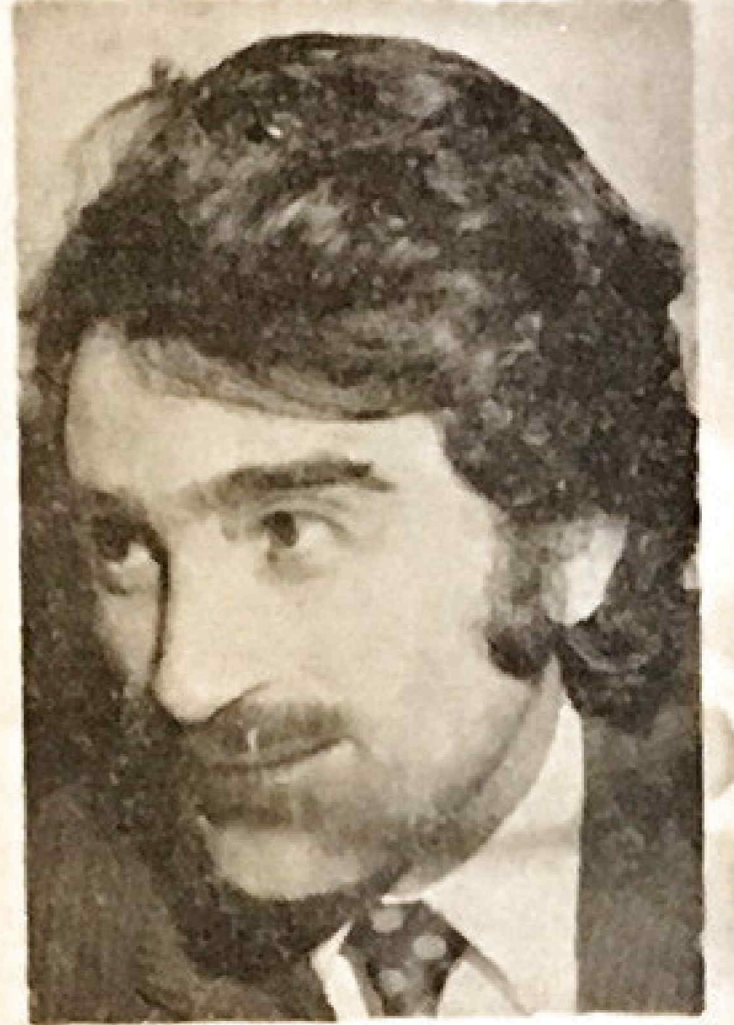


«مغولها» یکی از سه یا چهار بهترین های سینمای ایران است که تا به حال ساخته شده است.

امیر طاهری

... «مغولها» برای من مرثیه‌ای نکان دهنده در مرگ «سینما» و در عین حال ستایشی از «سینما»ست و هشدار و در مقابل سیستم های ارتباط جمعی بویژه تلویزیون.

من مغولها را تنها بخاطر این نم فوق‌العاده غنی و هوشمندانه‌اش دوست ندارم. این فیلم را دوست دارم چون عشقی بی‌پایان نسبت به سینما حکایت دارد. این فیلم را دوست دارم چون وابسته به «اخلاق هنر» است و فکر نهانی‌اش را غیر مستقیم بیان میکند. این فیلم را دوست دارم چون با داشتن ابعاد سیاسی - اجتماعی واقع‌بینانه‌اش

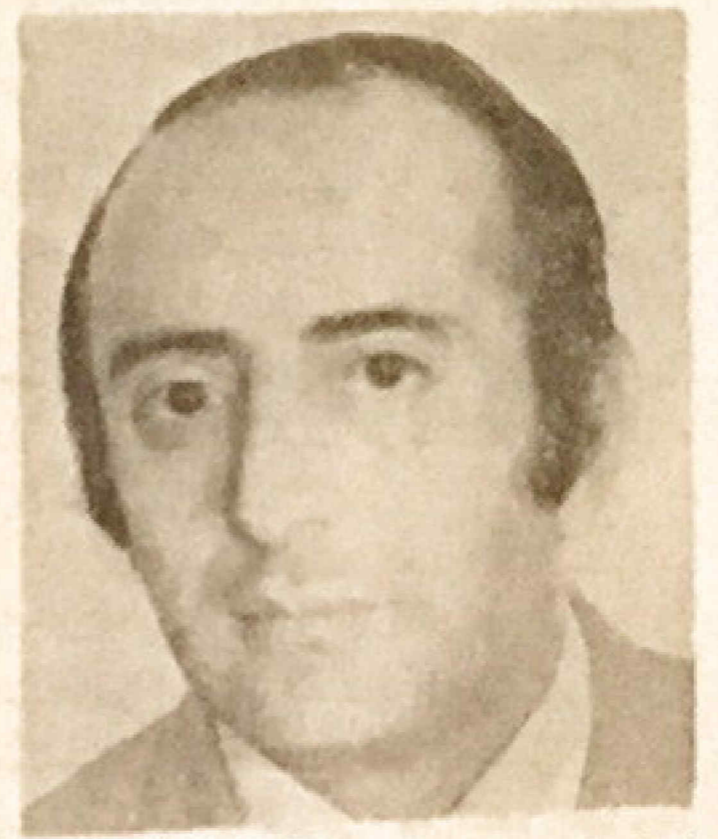


«مغولها» ساخته‌ی کیمیای را در سینه‌کلوب دیدم و بحق مستحق بود که جایزه جشنواره فیلم تهران را بگیرد، بدون اینکه فیلم‌های جشنواره را دیده باشم که اثر کیمیای چقدر بر آن‌ها ارجحیت دارد.

فیلم به تمامی تو پر مضمون - شکیل بحث‌انگیز بود و براحتی ذهن آدمی را ساعتها و ساعتها بخود مشغول میکرد و لذت بردم که دیدم يك هنرمند تا چه حد میتواند، بدون اینکه حالی به حالی‌شون، شعار بدهد و رگ گردنش را سیخ کند، مسائل زمان خود را، تصاویری از زندگی مردمی را که در جوارش هستند، آگاهانه در يك فیلم نشان دهد و از هجوم مغولها نداعی شود برای هجوم همه آن چیزهایی که هدفش سلطه بر ذهن آدمی است و تداوم سیطره‌ای شوم بر جماعت بانوعی شستشوی مغزی. زیاد با او آشنایستم ولی حتما باید جوان با فرهنگی باشد و چه خوب که بجای ادعاهای تو خالی رایج میان این دسته از روشنفکران فیلساز و نشر شایعه و خبر و افاده فضل آثرش رامتل برک‌برنده رث زمین‌زده است.

ش. ناظریان

بنظر من مغولها فیلم خوبی بود با يك دید دقیق به يك مقدار حرف که گفتمی مینمود. برداشتی که از ابلغار مغول شده بود خیلی نزدیک به واقعیت بود شاید اگر کارگردان این فیلم در کشوری میبود که دچار حمه آبیلا شده بود اسم فیلمش را هم چیز دیگری می‌گذاشت. پرداختی به این مساله که وسائل ارتباط جمعی خود بخود وسیله «بی‌ارتباطی» با خویشتن خویش است جالب است، باین توجه که اصولا لکو مونیگاسیون خود بخود

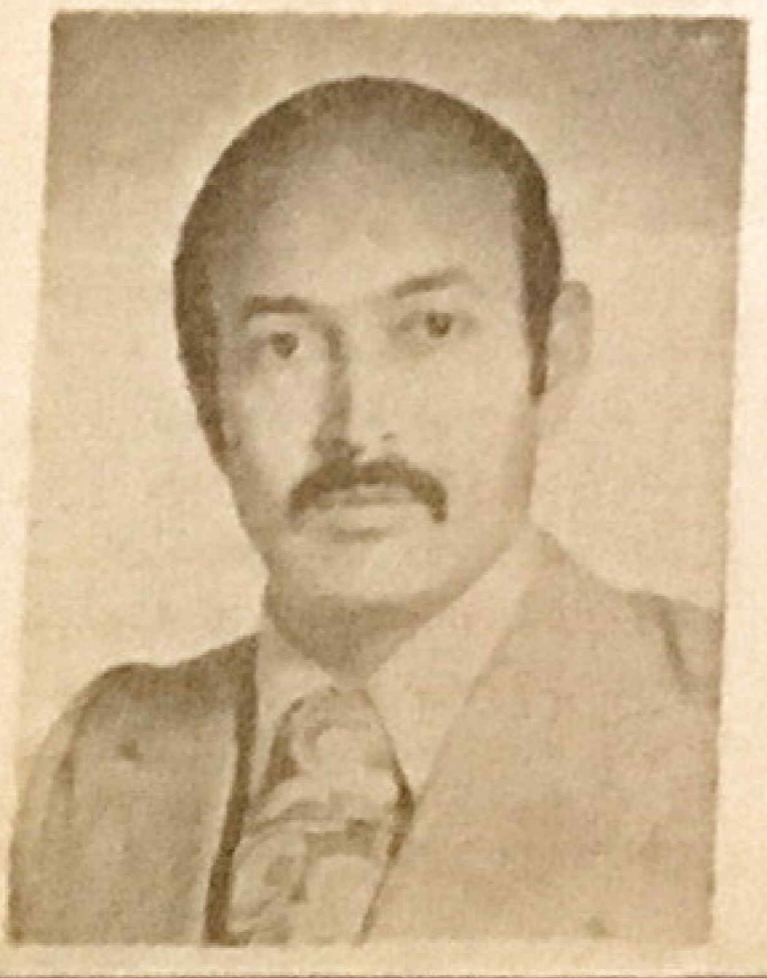


شمار نمی‌دهد و به تماشاگرش از سر ربا و تزویر «خوش خوشان لحظه‌ای» نمی‌بخشد.

«کیمیای» با این فیلم به ورشکستی فکری در مثلا سینمای پیشرو ایران پایان می‌دهد و خود در شمار فیلمسازی چون «گودار» و «تروفو» می‌ایستد و اعتباری جهانی و در عین برحق، کسب می‌کند.

کیمیای در این لحظه از تاریخ «تنها پرچمدار سینمای ایران» است (گفتم پرچمدار چون این عنوان را قبلا به ناحق به فیلساز دیگری داده بودند) و با سینمای سالم و هوشیار اوست که می‌توانیم مدعی سینمای پیشرو باشیم.

هوشنگ حسامی



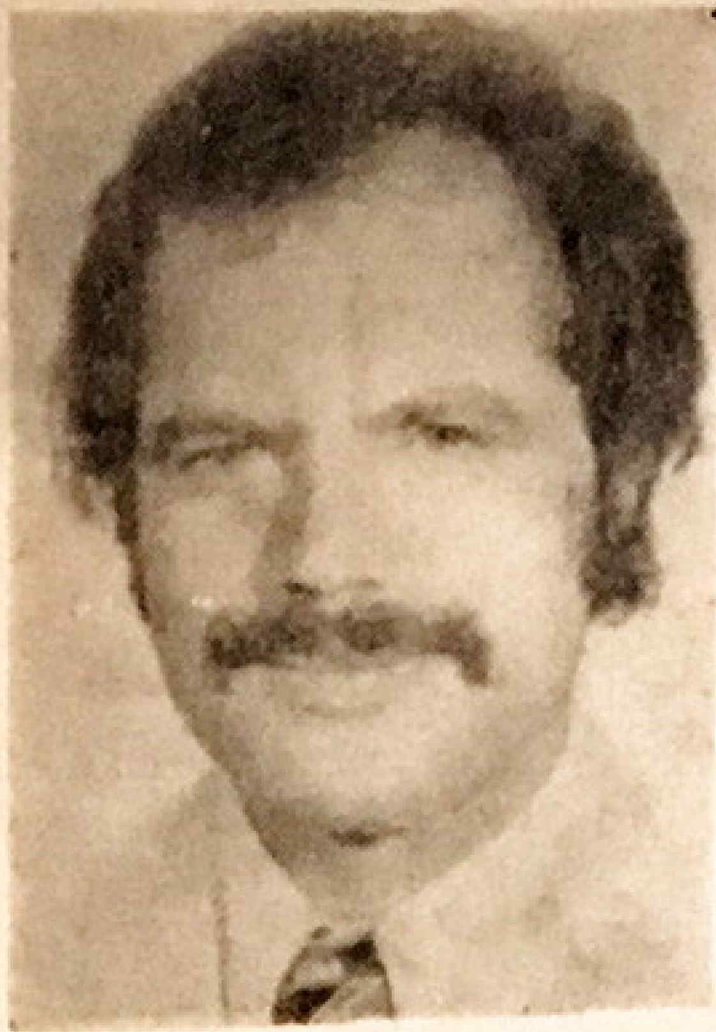
عباس پهلوان



صفحات ویژه فیلم مغولها

قرار می‌دهند و مردم را ، اجباراً ، بدون آمادگی ذهنی کافی زیر سلطه میگیرند. و لاجرم تلویزیون در دستمردان این بسط و گسترش خوراک می‌خواهد و نتیجه اینکه این کارگردان هوشمند ، همچون سایرین طعمهای است ناچیز برای تولید و نه خلق!

این چنین است که در پایان گیوبینی آویخته به برج تلویزیونی سرش را - اندیشه‌های ناسازگارش را - قطع می‌کند. مغولها با برخورداری از میزانشن هالی دقیق و ملبوس ، طنزی ظریف گرفته ، دیالوگهای اندیشمندانه و دل‌نشین ، دکورهای فوق‌العاده و ساختمانی محکم ، یکی از برجسته ترین فیلمهای است که سینمای جهان در چند ساله اخیر بخود دیده است.



«مغولها» که بی‌تردید یکی از نمونه های بارز سینمای مولف است ، نخستین کوششی است که در جهت خلق و ابداع يك اثر درخشان در سینمای ایران انجام یافته است.

« پرویز کیمیای» مولف است ، چون ندیشه‌ای به غایت هوشمندانه و اورژینال را با فرمی بدیع و ریشم‌یویا در هم می‌آمیزد و با آگاهی تمام پروین مایه‌ای اجتماعی را درون مایه سیاسی می‌بخشد.

يك کارگردان تلویزیون برای ایجاد شبکه سرقلسری تلویزیونی به سیستان و بلوچستان منتقل می‌شود ، ولی تا موعد حرکت، چند روزی باقی است . از اینرو اوقاتی را که در منزل بسر می‌برد ، هم تاریخ سینما می‌خواند و هم در تخیل ، زمینه ساختن قلمی را طرح‌ریزی می‌کند. همسرش ، سرگرم به اتمام رساندن «پایان نامه» تحصیلی‌اش در باره‌ی حمله «مغولها» به ایران است. تأثیر و تلفیق و ترکیب نام این «پایان‌نامه» با ذهن یویا و جستجوگر این کارگردان همراه با مرور تاریخ سینما ، فیلم درخشان « مغولها» را خلق می‌کند.

درابتدا مغولها کمترادف پیشرفت و گسترش سریع ارتباطات شبکه تلویزیونی است در اختیار تخیلات ذهنی کارگردان هستند ، چرا که به مجرد بستن کتاب «تاریخ سینما»، تصویر آنها فیکس میشود. ولی رفته رفته ، جبر و اختیار آفریننده «مغولها» تحلیل می‌رود و خود نیز به همراه آنان در کویر سرگردان می‌شود و این بار خود در اختیار مغولها قرار می‌گیرد.

و چه زیباست ، هنگامی که ، تاریخ سینما «موج‌نو» فرانسه را دربر می‌گیرد و مغولها از دری که نام «ژان لوك گدار» بر زنگش آویخته شده و نامش مترادف با سینما ، موج نو و ... است ، عبور می‌کنند.

مغول هالی که در گذشته‌ای دور ویرانگر بنیان های سنتی و فرهنگی اجتماعی ما بوده‌اند ، حال به نوعی دیگر - شبکه تلویزیونی - برق آسا ، سراسر کویرها ، شهرها ، نقاط مسکونی و غیرمسکونی را در پوشش ارتباطی خود

برگزیده ، گویای این واقعیت نیز بوده که آدمهای بازی ، در جای خود - یعنی بر پهنه خاک و ویرانه‌های کوره نهدات دورافتاده- بهتر از چهره‌های مشهور و مرفه و محبوب ، بلژگو کننده وضعیت و تلاطم‌های درونی خود هستند . این واقعیت‌سازی ، امتیاز بزرگ دیگری است برای سینماگر دانشمند و حساسی که می‌خواهد تا سر حد غیر متعارف ، اجتماعی بیندیشد.

- کیمیای چنین کرده است و برای نخستین بار آئینه سینما را در برابر مهمترین مسئله امروزی جامعه‌ما گردانده و برآستی چه خوب و ماهرانه گردانده است.

سینمایی که او معرفی می‌کند سرشار از واقعیت‌های اجتماعی است و بگمان من آغاز شادمانه‌ایست برای دورانی که هنر با جامعه در ارتباط کامل قرار گیرد و بی‌منت ادعا پرآکنی‌های هنرمندانسه و فیلسوفانه ، درموضع راستین خود که قلب جامعه‌است ، استوار و پایدار بنشینند.

مهر انگیز کار

مغولها فیلم درخشانی است هم از نظر تصویر وهم از نظر معنا

فرخ غفاری

«مغولها» تنها يك فیلم بسیارخوب نیست. فیلمی‌است که هویت کامل‌روشنی هم دارد. و هر چند که برخورد کیمیای با سینما در این فیلم به شیوه‌ی «ژان لوك گدار» بسیار نزدیک است و هر چند که درونمایه‌ی «مغولها» (ارتباط و عدم ارتباط) به يك قوم خاص و يك گوشه از جهان‌معلق‌ندارد، پرویز کیمیای اثری کاملاً ایرانی ساخته است ، نه فقط به این دلیل که کویر مکان فیلمبرداری است و حتی نه‌باین دلیل که آدمهای فیلم لباس یا لهجه‌ی محلی دارند. رفتارآنها برخوردشان با خارج (با هر چه خارج از زندگی آنهاست) و برداششان از رویدادهای زندگی ایرانی است.

طنز کیمیای در این فیلم بسیار قوی ست زیرا هرگز برسر آن با فشاری نمی‌کند و در ذات موقعیت‌های فیلم‌است و همیشه هم با شعر آمیخته است. استفاده او از کلام و موسیقی بسیاردرست و کاملاً در جهت کمک کردن به تصویر است و تصویر را چنان به‌کار گرفته است که جای هیچ ابهامی باقی نمی‌گذارد.

«پرویز کیمیای» با اولین فیلم بلندش تسلط کامل خودرا به سینما نشان داد و ثابت کرد سینماگری است که حرفهای بسیاری دارد و بیانی‌رسانا که برای بسیاری ازکارگشته‌ترها و پیش‌کسولها - نه فقط در ایران - می‌تواند رشک‌انگیز باشد.

شهر آشوب امیرشاهی



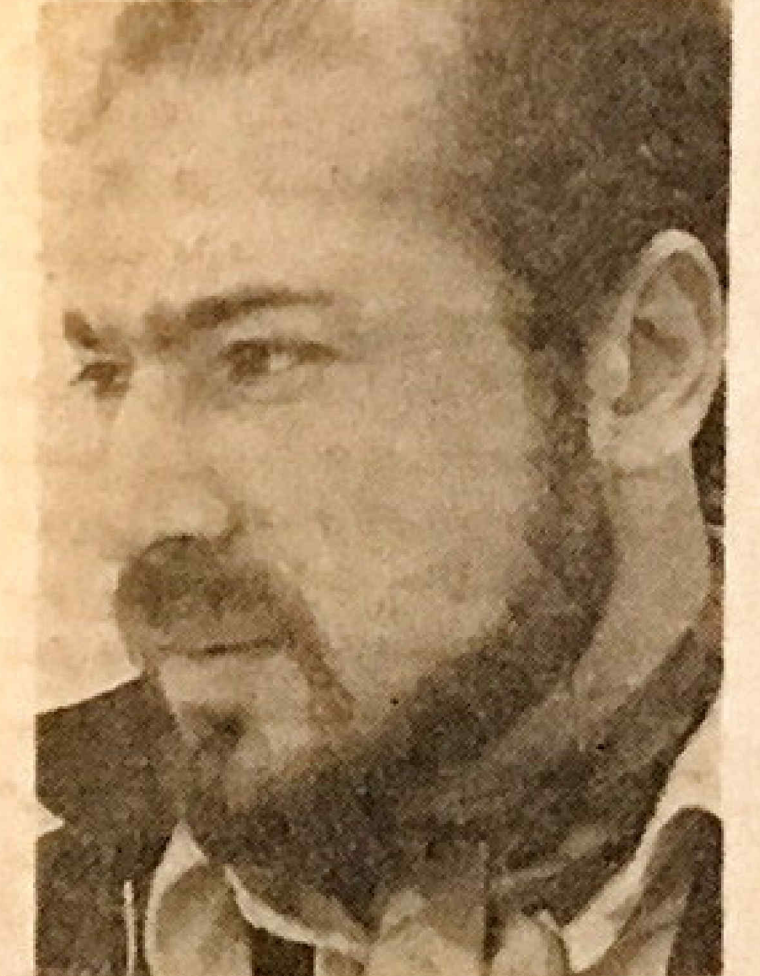
مغولها بشارت دهنده بلعینمای «اجتماعی» است که مفهوم مورد اشاره آن ، تمام قشرهای جامعه را در بر می‌گیرد و البته این مفهوم وسیع و همه‌جانبه در روال يك قصه محدود و ساده و زود پذیره قابل بازگویی نبوده است. مغولها درحساس‌ترین لحظه از زندگی «ارتباطی» و «شیکه‌ای» ما ساخته شده و تجربه‌های بزرگ عصر ارتباط ، همچون ضربه های هشدار نهنده ، بروشنی در این فیلم تصویر شده است . اگر هشیار و دقیق باشیم ، براحتی در می‌یابیم مغولها با آنکه جنبه‌های ویرانگر وسائل رو بتوسعه ارتباط جمعی را در صحنه‌های پر پیچ و خم فیلم بازنموده ، اما در واقع به شایستگی و ظرفیت این وسائل برای سازندگی ، اشارتها دارد . چون به همان میزان که وسائل ارتباطی را در مفهوم «بنا» و «بازدارنده» و بنوعی هجوم مغولی و چنگیز خانی نشان میدهد این نتیجه را نیز به‌اشاگر عرضه می‌نماید. دارد که وسائل ارتباط جمعی می‌تواند درست‌بکارگرفته‌شود ، یاری‌دهنده‌باشد... و حتی در برابر هجوم فرهنگها و تعالیم و تلفیق‌های غلط و غیر لازم سد های آموزشی و فرهنگی بسازد.

کیمیای آگاهانه در جبهه مخالف و موثری که برگزیده ، در صدد تفهیم این نکته است که وسائل مذکور به‌تعمیر غلطو ضداجتماعی : «نوعی هجوم سرگرم کننده ، منهدم کنند و منصرف کننده است» و به تعبیر درست و اجتماعی : «قابلیت دارد در برابر «هجوم» مقاومت ایجاد میکند» و این همان خاصیت فراموش شده‌ای است که کیمیای در هر لحظه از فیلم مغولها برای یادآوری و آراک آن، دقیقاً فکر کرده ، مشتاقانه زحمات کشیده و بنظور تجلی کله لاین واقعیت مهم از ظرافت‌کنیک تشبیه‌های گوناگون هنری ، بهره‌های بسیار گرفته ، و بهره جویی‌هایش چنانست که بکیننده‌ساده هم موفق به درباخت مفهوم اصلی فیلم میشود. حتی باینکه فیلم مغولها مانند فیلم‌های ساده‌ی متداول ، زود هضم نیست.

کیمیای با ویژگی‌هایی که به فیلم مغولها داده ضمن استفاده از چهره‌های

بهمین مقصودلو

«مغولها» در جهت غنی کردن تجربه های سینمایی فیلم مهمی محسوب می‌شود و به عبارت دیگر از این جنبه می شود آنرا فیلمی تجربی هم به حساب آورد و در نتیجه باید انتظار داشت که چنین فیلمی علاوه بر همه محاسن ، عیب های فیلم تجربی را هم داشته باشد . برای اینکه در يك فلمرو آزموده نشده‌ای



دست به خلافت زده شده است . مطمئناً اثر کیمیای یکبار دیگر بخواهد مغولها را بسازد از نبار عطف به تجربه هالی که بدست آورده ، وهم - چنین با ارزیابی این تجارب میتواند «مغولها» را کوتاه‌تر و موجزتر از گذشته بسازد.

در هرحال مغولها فیلمی است که در سطح تاریخ سینما کار با ارزشی است و به‌خصوص از نظر طرح مساله‌ای که در آن عنوان میشود کیمیای را به‌عنوان يك آدم مسوول درقبال مسایل اساسی جامعه ایران معرفی می‌کند. به عبارت دیگر کیمیای تنها به این اکتفا نمی‌کند که تنها تجربه‌ی دد فلمرو زبان و بیان سینما بکند بلکه او این تجربه را در سطح ارائه يك مساله تفکر برانگیز در زمینه مسایل روز اجتماعی ما طرح می‌کند .

اسماعیل نوری علاء

«مغولها» نشان داد که بدیهه سازی بهترین راه برای رسیدن به هنرناب در سینماست.

مغولها يك فيلم قابل اندیشه و تفکر انگیزه در اتاق مانده. فیلمی قابل لمس بانگانی که ما با آنها در تماس هستیم و واقعا آن چیزی که کارگردان میخواست بگوید بمن منتقل شد.

عباس جوانمرد



سینما آن چیزی نیست که دوی برده اتفاق میافتد ، بلکه چیز است که بین برده و تماشاگر روی میدهد.

گودار

هر ایرانی به رای العین شاهد است که تلویزیون ارزش های قدیمی را دستخوش تزلزل کرده است و در این مورد هیچ تردیدی نیست ولی آیا رسوخ تلویزیون به نقاط دور افتاده با پورش مغولها باید مقایسه شود ؟ وسایل ارتباط جمعی خود بخود مخرب نیستند . تلویزیون خواهد ناخواه تحولاتی ایجاد میکند و مثبت یا منفی بودن این تحولات به عوامل مختلفی بستگی دارد .

کیمیای این عوامل را تشریح نمی کند و فقط منفی بودن تاثیر تلویزیون را نشان میدهد . این شاید نقص مغولها باشد ولی ارزش آنها به عنوان يك اثر استثنائی در سینمای ایران نمی نهد.

کیمیای فیلمساز درخشان نیست . بسا ضامن آهو، و پمپل پلکان این را ثابت میکند، و مغولها تجربه ای جورانه است که موفقیت یا عدم موفقیت آن نزد تماشاگر ایرانی تأثیری فاطح در آینده سینمای این مملکت خواهد داشت .

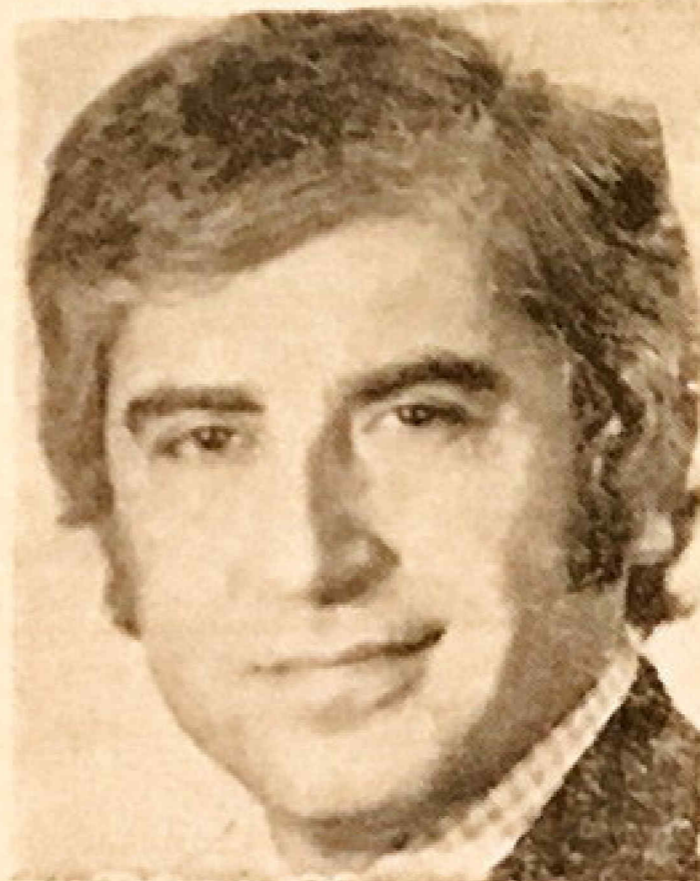
در پایان این یادداشت از کیمیای می پرسیم آیا سیر تکاملی سینمای گودار را تعقیب کرده است یا نه ؟ و آیا میداند که حالا سینما از نظر گودار چه مفهومی دارد ؟ اگر آنرا میداند امیدوارم که در فیلم آینده اش آنرا با تماشاگر ایرانی در میان بگذارد.

عبداله تربیت

مغولها يك شادی وصف ناپذیر و شعری زنده است ، مغولها احادته ای است شعری و بزرگ .

ژانیت مارتینی لازاریان

«برشت» معتقد بود که آثار وسیله ای است که میتوان آنرا برای پیشرفت اجتماع بکار گرفت . قصه آثار این نیست که در جماعت تماشاگر احساس همانندی با همدردی با کاراکترها بوجود آورد ، بلکه باید این جماعت را نسبت به جور و ستم های اجتماعی و اقتصادی که در نمایشنامه ارائه می شود به تفکر برانگیزد . آنگاه ، تماشاگران آثار را با این قصد و اندیشه ترك خواهند گفت تا در دگرگون ساختن نظام اجتماعی و ظلم و ستم های دنیایی که برشت در برابر دیدگان آنان گشوده بود، بخواست خود شرکت کنند. کوشش برشت همه بر این بود که نگذارد تماشاگران تحت نفوذ و تاثیر سحرآمیز جادویی آثار قرار گیرند و آنچه را بر روی صحنه می گذرد به عنوان واقعیت یا حتی توهمی از واقعیت بپذیرند . بهمین جهت ، عمدا با آوردن ترانه ها، رقصدگان ، تک های فیلم ، نمایش آمار بربرده و سایر وسایل منحرف کننده و حیرت آور، و قصای در مداوم و جریبان طبیعی نمایشنامه ایجاد می کرد. از نظر برشت ، هنریشه نمی بایست این توهم



را که وی جزئی از داستانی است که بر روی صحنه آشکار می شود برای تماشاگران بوجود آورد. وی باید تنها گزارشگری باشد که از رویدادها سخن می گوید. و بدین ترتیب ، آثار حاسی و متد بیگانگی برشت تکوین و ترویج یافت.

«گدار» پیوسته - بخصوص در فیلم های اخیر خود - کوشیده است که این شیوه و متد برشت را در سینما پیاده کند و بدین وسیله تماشاگران را نه تنها از دنیای واقعی بلکه حتی از توهم واقعیتی که فیلم برای آنها ممکن است بوجود آورد، دور و بیگانه کند.

اما فراودی گدار به همینجا ختم نمی شود ، و در این نیست که بقول یکی از منتقدین انقلابی شده است. وی که بگرمان از فیلمسازان برجسته و اندیشمند بشمار میرفت ، امروزه فیلمهایش آنقدر پکنواخت و خسته کننده و دور از ذهن شده است که نه تنها تماشاگران علاقمند به سینما بلکه پیروان سینه چاک مارکسیستی او هم - صرف نظر از لذت بردن آثارش - حتی قادر به درک و هضم شعارها و سخنرانیهای خواب آور نیستند.

در حقیقت این توهم برای تماشاگران ایجاد می شود چگونه چنان گدار می تواند نظام اجتماعی و جور و ستم اینها را درگون و اصلاح سازد ؟ هر چند کیمیای در مغولها از سبک و تکنیک گدار کم و بیش استفاده کرده است اما ، برخلاف برداشت گودار و ابلهاله آن کارگردان به ظاهر روشنفکر ، لکن متظاهر و «هالو» که بینش سینمایی حتی از حد «گاو» هم تجاوز نمی کند و سینما را با شعارهای پوچ و دراجی های کسالت آور سیاسی اشیاء گرفته است. کیمیای با برداشت هوشمندان خود از شیوه گدار ، سابق مستند سازی، ابدای اصیل و خصوصا بیان و پرداختن سینمایی و بیغایت زیبا ، از طرفی و اجتناب از پرداختن به شعارهای بیمارگونه سیاسی و روشنفکرانه های طفره قناداز از طرف دیگر ، فیلمی برجسته و هنرمندانه بوجود آورده است که نه تنها تماشاگران و منتقدان سایر فیلمهای با اصطلاح روشنفکرانه هنری و حتی گداری به خواب اندر نمی کند، بلکه در آنها شور و هیجان و تحرک و تفکری واقعی برمی انگیزد «بگمان من» کیمیای متد برشت - و نه گدار - را بسا موفقیت در سینمای پیاپی کرده است کاش گدار این فیلم را می دید و از فیلمهای بد و کسالت آوری که اخیرا ساخته است خجالت می کشید.

حسن فیاد

مغولها از معدود فیلمهای ایرانی است است که سینما را در شکل واقعیتهای «بازی» گرفته . نه با مسنولیت «کلاب» سروکاری دارد و نه بالودگی «مشرقی پسند» . تماشاگرانش چه کسانی خواهند بود ؟ بنظر من این جالبترین قسمتهای این فیلم است .

آرپی آوانسیان

مغولها سرودی هوشمندانه در ستایش سینماست بسیاری از منتقدین در اینجا خواسته اند که کیمیای را جزو سینماگران موج نو بشمارند که در دهه ۱۰ درسینمای فرانسه متولد و امروز عملا مرده است. اما این اظهار نظر سطحی است. فیلم کیمیای به طور مشخصی ایرانی است. اگر فرم کار او ما را به یاد گدار و تروفو می اندازد ، به این دلیل است که او نیز مانند آنها متعلق به سینمای است که دامن آن الوده نشد است .

او مانند هر هنرمند برجسته دیگری میداند که از هر سکاسی چقدر تاکید باید بخواند . چه را کنار بگذارد و کجا اشارت خود را گسترش دهد ، کمپوزیسیون او بی خطاست ، و با اینکه فیلم مغولها کمی طولانی تر از فیلم داستانی معمولی است، فیچر کردن هیچیک از سکاسهای آن آسان نیست .

پریسا پاریسی

مفهوم اصلی فیلم مغولها ، بر اساس دو حمله بی امان قرار گرفته است . مغولها به ایران حمله کردند ، گشتند ، سوزاندند و بردند ، و دیگری حمله و گسترش بی امان شبکه تلویزیونی به عنوان یکی از وسایل سمعی و بصری ارتباط جمعی ، در حالیکه جامعه ایران ، در مقابل دو حمله ناگهانی قرار گرفته که هیچ نوع زمینه دفاعی نداشته و ندارد ! کیمیای در تعمیم این مساله ،



فیلم مغولها را تجربه نمی کند ، بلکه جستجوگر است ، چنانکه خود می گوید: «من در این فیلم به جستجوی سینما می نشینم» .

در پایان فیلم هم می بینیم که این تجربه در مفهوم «سیاه مشق» نیست ، بلکه تجربه ای است قابل قبول ، و نیز هر آنچه که هست - نشان داده می شود.

اضافه کنم که نشان دادن «هستی» - های موجود و اجزای تشکیل دهنده فیلم با مونتاز تلویزیونی قابل قبول و ریتمی کند عمل می شود . این ریتم درست منطبق با حال و هوای ما ایرانیهاست ، بخصوص آنهاییکه دور از شهرها زندگی می کنند . در مورد مونتاز فیلم مغولها ، این را هم بگویم که او مانند تمام فیلمهای کوتاه اش

و برای بیان هر يك از موضوعات سینمایی خود، شکل و آهنگی خاص برگزیده تا محتوای فیلمش سهل الوصول تر باشد . اینجاست که اگر از بعضی مکشهای سینمای او بگذریم ، بقیه مانند دانه های زنجیر در جای خود نشسته اند. در نتیجه اگر هر يك از این مکشها ، از جای خود جابه شوند ، فیلم بطرز وحشتناکی بلو می شود و این خود، نشانه ای دقیق شناخت سینمایی و مونتاز او پیش حساب شده است .

پرویز هنر جوئی



صفحات ویژه فیلم مغولها

روزنامه: کومبا
چاپ: فرانسه

مورخ: ۱۳ دسامبر ۱۹۷۳
پرویز کیمیای، گودار
ایرانی
پیروزی سینمای مستقل

اگر بخواهیم ایده‌های از فیلم
کیمیای بدست بدهیم، فوراً به بساد
دنیای گودار، نوشته رویاوار از و مونتاز
انگرافیش می‌افتیم. ولی قبل از سخن
گفتن درباره تأثیر، قبل از ذکر منابع
دیگر - مثل سینمای کوکوتولازمست که
روی اصالت عمیق سوژه کیمیای، تخیل
سرشار او به عنوان سینماگر - شاعر و
نیروی انتقادی بسیار خشن و جدلی او
تاکید کنیم.

در «مغولها» قبل از همه سناریونی
هیجان انگیز وجود دارد که - از همان
آغاز - با روایت تخیلی مضاعف را پیش
می‌کشد!

یکی مربوط به فیلمی که بسک
کارگردان تلویزیون شیفته سینما دورباش
می‌رود و دیگری مربوط به هجوم مغولها
که در ذهن یک مدرس آینده تاریخ که
دکترایش را تهیه میکند نقش بسته‌است.
این دو پرسوناز به زندگی خصوصی

خاص یک زوج جوان تا در هم آمیخته‌شدن
تخیلاتشان ادامه می‌دهند: سینماگر نوپا
با قرار دادن مغولهای خود در برابر
سیاهی لشکر انتخاب شده برای سرپال
تلویزیونی، ساختن فیلم دلخواهش را
در نظر مجسم می‌کند. در حالیکه همسرش
- به لطف متون مطالعه شده - به گوشه
هایی از هجوم معروف قرن دوازدهم زندگی
دوبار می‌بخشد.

پرویز کیمیای، که نقش سینماگر -
مولف را خود به عهده گرفته‌است، با
بیان نبرد بی‌امانی که یک خالق خواستار
آزادی بایستی علیه قدرت مستبدانه برده
کوچک درپیش گیرد مسئله دیگری را به
این جابجانی تصورات می‌افزاید.

در این میان مغولها رویا و هجورا
در کنار هم قرار می‌دهد: کیمیای تأثیرات
تسخیر آمیز و گاهی هم شوم استعمار
سرکش‌ترین مناطق ایران را توسط حاکمان
های تلویزیون، که نقش آموزشی آنرا
عمیقاً طلب می‌کند، نشان می‌دهد. این
موضوع صحنه‌های مضحک و فریبی ایجاد
میکند که نظرها را دایره‌براینگه پرسوز
کیمیای برآستی قادر به انجام کارهای
دیگراست تأکید می‌نماید.

هانری شاپیه

LA MOSTRA DEL NUOVO CINEMA
Barriere sociali dell'amore
... del film ungherese e francese libero...
... del film ungherese e francese libero...
... del film ungherese e francese libero...

IL NUOVO CINEMA A PESARO
Amore, amore poi i mongoli

Le cinema iranien d'aujourd'hui
LES MONGOLS
(DE PARVIZ KIMIAY)

Dans quelques semaines, les salles de cinéma de l'Italie se souviendront de publier le premier long métrage de l'iranien Parviz Kimiavi. "Les Mongols", film qui a obtenu le succès et le triomphe au dernier Festival des Arts de Cannes-Festival par tout ce qu'il a apporté d'extraordinaire et de nouveau dans l'évolution encore difficile du septième art iranien.

Problematico film giapponese a Pesaro
Yoshida contro l'estetica e il mito dell'imperatore

Alla Mostra di Pesaro un sorprendente film persiano
La tv arriva nel deserto in la calata dei mongoli

Un «Hellschappin» persiano sorprende e diverte a Pesaro

Parviz Kimiavi, lo Godard iranien...
L'AFPF CONTINUE LE COLLABORATION

گوشه‌ای از اظهار نظر مطبوعات جهان درباره‌ی مغولها

گیرد.
خاطره‌هایی که هنگام تحصیل در فرانسه از سینمای ابتدائی، از آرشیوها، در خاطره کارگردان تصویر شده و باقی مانده‌اند، به طریقی خوب با هنرپیشنهایی که باید در نقش مغولها ظاهر شوند، بهم آمیخته‌اند.
مغولها از طریق تاریخ سینما و از محل‌هایی که بوسیله کارگردان انتخاب شده است، می‌کلرند. موضوع اصلی رها می‌شود و احساسات مطلق تبدیل به دیالوگ‌ها و ایده‌هایی می‌شود و یک جنبه‌ی بالکتیکی بوجود می‌آورد و بالاخره به جایی می‌رسد که حضور مغولها در تری که بوسیله همسرش نوشته می‌شود، جای تاریخ سینما را که در اصل پیش‌بینی شده بود می‌گیرد و مغولها بصورت آلات و ادوات «امیل رینود» در می‌آیند.
مغولها فیلمی نفوذ کننده، غنی و فرهنگی است که بخوبی حس می‌شود.
بنظر می‌رسد که پرویز کیمیای کارگردان این فیلم بانثوری جدید سرعت تاریخ، میانه خوبی ندارد!

پیتر ویانکی
عضو هیئت داوران دومین جشنواره جهانی فیلم تهران

است امیکل پرووینچالی
Michele Provinciali
گرافیسست مشهور زندگی می‌کند.
پرووینچالی قسمتی از ایران است. او یک هفته قبل از چهارمین سفرش به ایران بازگشت. از جایی که سال گذشته یک کتاب با ارزش با عکسهای باشکوه و مطالبی کوتاه را که با همکاری یک باستان شناس جوان تهیه شده است با خود آورده بود.
مادر فیلم مغولها کشف های تازه پرووینچالی را دیدیم که چگونه بدروشنی با هم برآورد (کارگردان این فیلم در پاریس تحصیل کرده و شاگرد سینما بوده‌است).
فیلم می‌خواهد یک مساله موجود در سرزمینهای عقب افتاده (نوسه نیافته) را نشان دهد. مساله ارتباط با جویانها، دهقانها، دهاتیها و فرزندان یک تمدن قدیمی.
مسائل ارتباط جمعی و نورستی آن بوسیله یک کارگردان جوان، با همسر روشنگرش که مشغول تهیه یک تز درباره هجوم مغولها به ایران است، (همانطور که از عنوان فیلم بنظر می‌آید) با نظری عشق و دقیق مورد بررسی قرار می -

روزنامه: ایل ژورنو
چاپ: ایتالیا
مورخ: ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۳
یک فیلم شیرین ایرانی که اعضای پرویز کیمیای را دارد رسید تا خارج از موضوع های معمول، غرابتی بسا بله‌اند.

این فیلم ایرانی «مغولها» نام دارد و کمی فیلم «گار» را که در چند سال پیش دیدیم، بخاطر می‌آورد.
درست در اینجا «پزاورد»، که در گذشته مزه‌نازی‌های فراوانی را چشیده



صفحات ویژه فیلم مغولها

روزنامه : نوول ابرو انور
چاپ : فرانسه
مورخ : ۲۳ دسامبر ۱۹۷۳

روزنامه : کوریر ادلا سرا
چاپ ایتالیا
مورخ : ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۳

نام يك مولف سينمائي را هم «مغولها» فيلم فوق العاده‌اي با خودمي آورم . پرويز از «کيمياوی» کيمياوی.

«پ، مثل بلیکان» و «سا ضمن اهو نام‌های دو فیلم کوتاه اوست که بسیار مایلم در فرانسه ، به نمایش در آیند هم‌چنین فیلم بلند او مغول‌ها که جشنواره‌ی تهران برای مسابقه ، انتخاب کرده بود و باید به این فکر عالی آفرین گفت :

در زمینه‌ی روابط هنرمند و خلق هنری: سینماگر و فیلم ، کیمیاوی اثری بسیار بدیع ساخته است . غیرعادی و گستاخ ، سرشار از ابتکارهایی که در ضمن شوخی های بصری هستند ، باطنزی که یادآور طنز برادران مکاس در فیلم نیمه‌های هاله اوبلاست.

«مغول‌ها» فیلمی است موثر و کبکثیر و سرشار از انبساط بصری بغایت زیبا و ایده های تازه مغول‌ها فیلمی است که فیلم «شب آمریکالی» فرانسوا تروفو در مقابل آن درنگ می‌بازد .

ژان لوئی بوری

روزنامه : آوانتی
چاپ : ایتالیا

مورخ : ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۳

يك فيلم غير منتظره ايراني

به نظر من در میان فیلم های دو روز آخر فستیوال «پزارو» فیلم مغولها غافلگیرکننده و غیرمنتظره بود . مغولها يك فیلم ايراني است که به خاطر زنده بودن و عقاید سازنده اش کیمیاوی که يك زمان شناس هوشمند و زیرک است ، جلب توجه کرد . این فیلم از صداقت و نازکی ویژه‌ای در عین حال که کند هم هسته برخوردار است

مارزیو کاستاگندی

«کیمیاوی» با این فیلم ایران را می‌شناساند ، با وجود مسائلی که حتی خودش هم از نظر اجتماعی و سیاسی پیش بینی نمی‌کرد.

مغولها خوب است چه از نظر صحنه آرایی که پر از فانتزی است و چه از نظر تکنیک.

کیمیاوی در فرانسه تحصیل کرده و اینطور که پیداست عشق فرانسویها را به سینما بخوبی حس و دریافته‌است .

کیمیاوی میخواهد دو مساله را از روح ملتش نشان بدهد ، یکی بوجود آمدن از فرهنگ گذشته و دیگری تمدن عصر حاضر و تلویزیون .

مغولها با نمایش در سه فستیوال توجه همگان را به فیلم ايراني جلب کرده است

جیوانی گرازینی

روزنامه : اوتینا

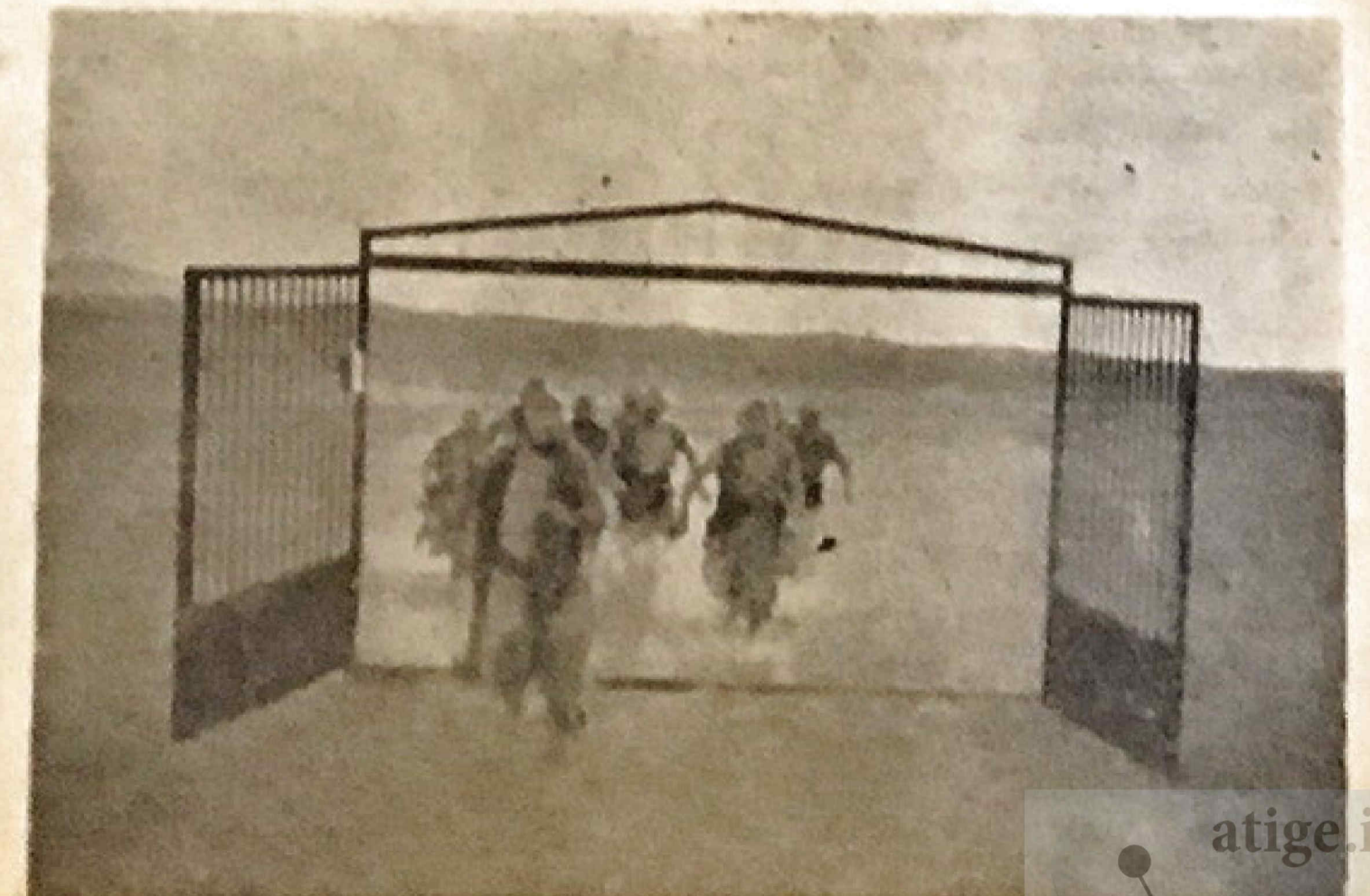
چاپ : ایتالیا

مورخ : ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۳

فيلم مغولها ساخته کارگردان ايراني ، پرويز کيمياوی ، مسایل موجود در ارتباط را بررسی می‌کند.

بعد از فیلم های گاو و «پسچی» فیلم «مغولها» را در فستیوال پزارو می‌بینیم ، که جالب توجه است . کارگردان این فیلم پرویز کیمیاوی که در پاریس در رشته سینما تحصیل کرده است در این فیلم از تکنیک آزاد «گودار» ی استفاده میکند و حقایق کشور خود را در مقابله با هجوم وسایل جدید ارتباط جمعی بررسی می‌کند.

کیمیاوی اولین کسی است که از کشاورزان حقیقی ، که به لباس مغول ها درآمده‌اند ، به جای هنرپیشه‌های سینما



روزنامه : گاتزه لیتو

چاپ : ونیز (ایتالیا)

مورخ : ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۳

عشق و عشق و بعد «مغولها»!

مغولها ساخته پرویز کیمیاوی فیلم زیرکانه و هوشمندانه‌ای است در پاره سینما ، تلویزیون و وسایل ارتباط جمعی که در فستیوال «پزارو» توجه همگان را به خود جلب کرد.

در این فیلم تأثیر فریب بر کارگردان (کیمیاوی از نظر هنری در پاریس پرورش یافته) دیده می‌شود که نمایش نه‌شده خصوصیات روشنفکری است . نقش اصلی فیلم را نیز خود کارگردان برعهده دارد که در فیلم مسئول تهیه برنامه‌های جهت پیداکردن يك فیلم از تاریخ سینما است . دو کنار او همسرش قرار دارد که مشغول نوشتن يك «تذکره» درباره حلقه مغولها به ایران است .

این زن و شوهر خود را آمدمی‌کنند که به دلایل مختلفی از هم جدا شوند .

يك شب در حالیکه کارگردان مشغول مطالعه تاریخ سینماست می‌بیند که مغولها (بوسیله ترکمن‌ها نمایش داده شده‌اند) در باختر طوفان مساعی کویر گرفتار شده‌اند:

بعد شروع به تهیه فیلم از این مغولها می‌کند ، اول ۸ نفر ، بعد ۱۶ و سپس ۲۱ مغول . و بدین ترتیب از طریق تاریخ سینما و محل‌هایی که برای تهیه فیلم خود در نظر گرفته می‌گردد و سرای اداره کردن يك مرکز تازه تلویزیونی که اداره‌اش باو مسول شده است می‌رود . تلویزیون ، فرمان زمان‌مناست ، درست از همان وقتی که این سفر آغاز می‌شود .

بنظر می‌رسد که کیمیاوی در فیلم خود ، میخواهد تلویزیون را متهم کند و آنرا به عنوان بکوسیله ارتباط جمعی که موجب جدا شدن اشخاص از یکدیگر می‌شود می‌داند.

فیورلوزا انگراندو

و تاثر استفاده کرده است . فیلم مغولها برای نشان دادن مسایل علمی ، مثل مساله ارتباط ، از يك نوع نازکی اورژینال برخوردار است .

با این فیلم در فستیوال پزارو از آینده نگری يك فیلم که متعلق به آسیای کوچک است ، گفتگو می‌شود .

نمایشچیان ایتالیایی خواهند توانست فیلم ايراني را از این پس در سینه‌کلوپها ببینند ، سینمایی که در آستانه این است که شکل معمولی توزیع و بخش را به‌خود بگیرد

اوگو کاسیراجی

روزنامه : لوریان لزور

مغولها ساخته پرويز کيمياوی، فيلم حيرت‌انگيزی که حرفها در باره‌اش تمامی نمی‌گيرد بویژه در فرانسه

(در مرکز سینما و مطبوعات سینمایی و مرکز هنر و تجزیه) البته هیچ دور از انتظار نبود که با فیلمهای شرکت داده شده در بخش مسابقه‌ای جشنواره فیلم کیمیاوی برنده‌شود .

تدوابع مغولها برنده بهترین فیلم شد . گرچه در اغلب فستیوالها از جمله فستیوال اخیر مسکو ، همیشه همان کشوری که میزبان است جایزه های اول را بدست می‌آورد

اما در مورد فیلم کیمیاوی نمیتوان چنین فضول‌ی داشت چرا که نه‌با خصوصیات فیلم بود که این اجازه را داد تا کشوری از جهان سوم در جشنواره‌ای که خود تولید کرده بود جایزه اول را در بخش مسابقه‌ای بدست آورد .

پرویز کیمیاوی نشان داده است که بخوبی قادر است درهای دیگری را بروی سینما بگشاید و حدود دیگری را در این هنر بوجود آورد . کیمیاوی فیلمی عمیق از فرهنگ کشوری ارائه میدهد . يك سینمای اصلی ايراني ، و همین جهت است که در بیان تمایها اصلیات همچنان صمیمی‌د ايراني باقی می‌ماند .

گوپله گان

نگاهی به فیلم‌های

یک پایان خوش

ولی از میان خیل کودکان موذی پسری کوچک و نگر و جدا میشود، او همان کسیست که پیام ظهور شکفت انگیز را می‌آورد و هم اوست که در نیمروز، هنگامیکه آفتاب کویر ساکنان را به ترک نکردن سایه خانه‌ها محکوم کرده‌است با درشک‌های بزرگ بسراغ پیرمرد میرود تا او را بسوی پیام‌آور افسانه‌ای هدایت کند. مرد لباسی را که گونی برای مراسم سوگواری یا عروسی می‌باشد بتن می‌کند. از پوشیده در جامه سفید، با سروصورت تراشیده سوار درشکه میشود و درحالیکه موضوع را کاملا باور ندارد و می‌ترسد این یک کلاه بیرحمانه باشد بسوی موجود شکفت انگیز برآید. حقیقت فراسوی امیدها ی‌او میرود. باغی که پرند به آنجا پناهنده شده (بهشت) است و حوضی که پرند در آن شنا میکند اقیانوسی از طراوت می‌باشد که آن بعد از بازی‌های کودکان‌هاش در آنجا به پایانی خوش میرسد و در همین حال دوربین فروریختن قصر مخوف او و برخاستن ستون‌های فیار را نشان میدهد.

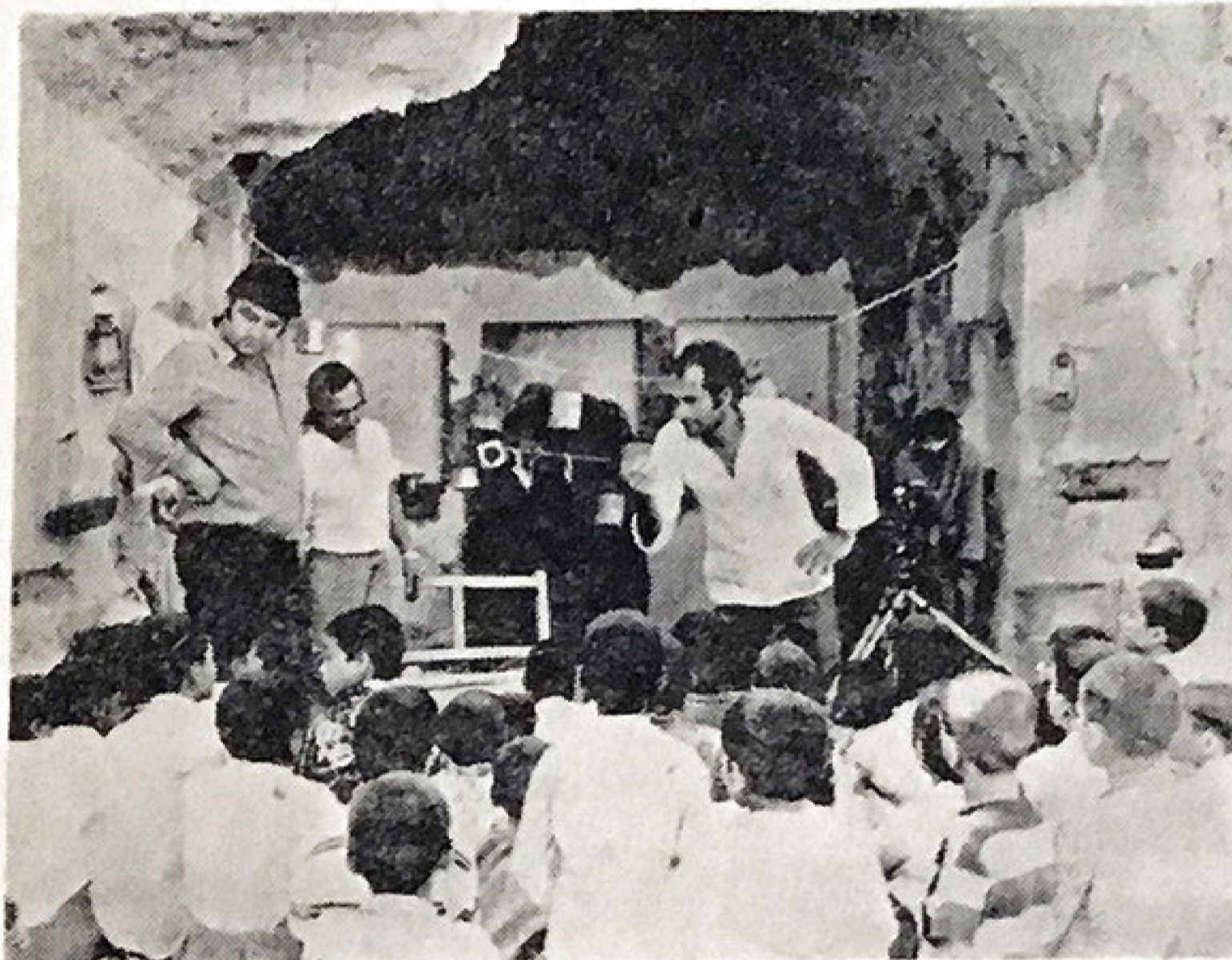
این قصه باشکوه که نقش‌های آنرا بازیگران انتخاب شده از میان اهالی طبس ایفا میکنند، یک نیروی شاعرانه عظیم و معنایی عمیق دارد. اگر کشادن‌های مومکانه‌ای که به فیلم حالتی خشک جدی میدهد وجود نداشت، کارگردانی فیلم در حد کمال میبود.

یاد هستند مغلوب کنندگان

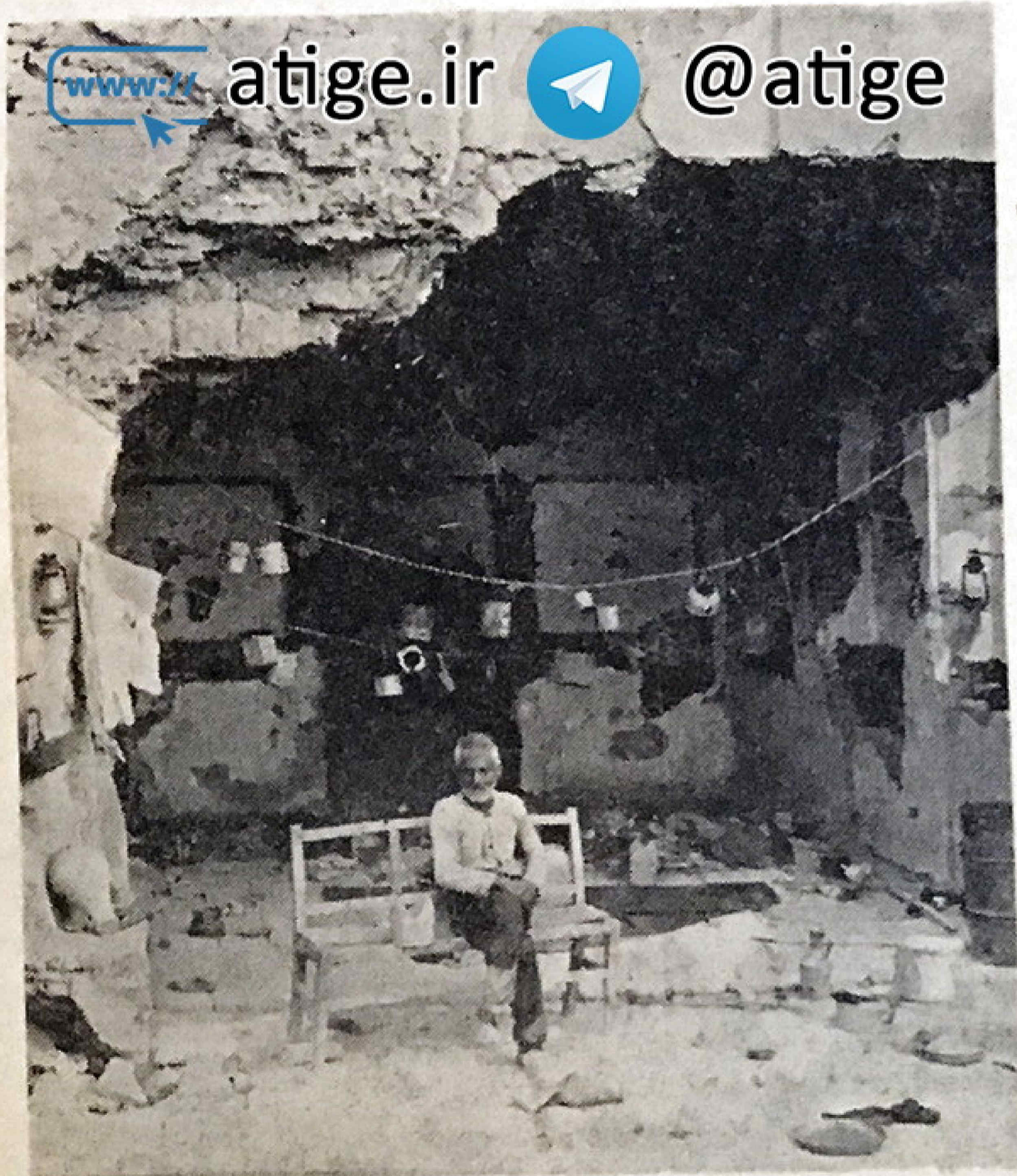
یاضامن آهو که داخل حرم امارضا در مشهد فیلمبرداری شده، از لحاظ فرم در حد کمال است. دوربین که روی دست جای دارد در دون تک‌تک تالارهای پرچاه و جلال، در میان تالوشکوه‌مند آینه‌های موزائیک، وزیر چلچراغ‌های بلورین حرکت می‌کند و به قلب ساختمان مقدسی که آرامگاه پوشیده از نقره در آنجا قد علم کرده است میرسد و این همان جایست که بمحض باز شدن درها پروری جمعیت واله و شیدا، دستهای زائران به آن فقل میشود.

دوربین سپس خودرا مخفی میکند و شخص درحالیکه تحت تأثیر قرار گرفته، بوسیله دستها، پیشانی‌ها و لبهانی که مقبره را با شور و هیجان و با ایمانی تکان دهنده نوازش می‌کنند، در تجلیات منقلب شیعہ شریک میشود. این فیلم مستند نیست که برای شخص مومن منقلب کننده‌است و برای یک خارجی که باین

کودکان این پیام زنده شعر و برف، سمبل پاک و ابدیت را بگوش مردی گوشه‌گیر که در آن واحد عاقل و دیوانه است و بنا به حکایت، چهل سال است که در کاروانسرای مخروبه‌ای کنج عزلت گزیده می‌رسانند. هر کسی در دوران کودکی از



● پرویز گیمیای در حال کارگردانی پ. مثل پلیکان
● «آسید علی میرزا» در صحنه‌ای از فیلم پ. مثل پلیکان



نوشته: نیکول وان دوون

منتقد فرانسوی

ترجمه: عبدالله تربیت

«پ مثل پلیکان» و «یاضامن آهو» دو فیلم کوتاه شاعرانه از سینماگر جوان پرویز گیمیای.

پ مثل پلیکان و یاضامن آهو یک سینماگر جوان ایرانی را بنام پرویز گیمیای به فرانسویان مقیم تهران معرفی کرده است و نو فیلم او که در انستیتو فرانسه و مدرسه رازی نمایش داده شد، استعداد ذاتی تمام کسانی را که حرفی برای گفتن دارند آشکار میکند.

پ مثل پلیکان سال گذشته در قسمت مسابقه فستیوال فیلم‌های کودکان ونو- جوانان تهران شرکت کرد و موفقیت قابل توجهی بدست آورد. و یاضامن آهو برای تلویزیون ملی که هزینه تهیه آنرا تأمین کرده‌است ساخته شده است.

پیام‌های فلسفی

فیلم اول یک پیام فلسفی آشکار دارد که بطریقی هوشمندانه بوسیله تصاویر شاعرانه‌ای که بخاطر راستین بودنشان، ارزش یک فیلم مستند را داراست طرح‌ریزی شده است. فیلم دوم اساساً مستند می‌باشد، اما پیامی فلسفی را که مکمل تصویر است و ترضیه خاطر مومن و غیر مومن را موجب میشود به همراه دارد. اگر فیلم اول که عناصر واقعی را در کل ساختمانش بکار گرفته ذهنی (سوپرکتیف) می‌باشد، فیلم دوم کاملاً عینی (ایزکتیف) است و هر دو این فیلم‌ها عمیقاً شاعرانه هستند.

خیلی نرم ...

موضوع از این قرار است که یک روز پرندهای ره‌گم کرده که ظاهری عجیب و غریب دارد در آبادی معروف طبس، در وسط شوره زار بزرگ فرود می‌آید، یک پلیکان. قصه حقیقت دارد. شور و هیجان ناشی از ظهور این موجود عجیب و مرموز را که یک شخص دانشمند با بدست‌دادن تعریفی مربوط به علم پرند شناسی تکلیفش را معین می‌کند میتوان مجسم نمود. ولی کودکان فیلم بر روش خودشان آنرا توصیف می‌کنند:

«اونجا یک چیزی اومده از راه دور... خیلی خیلی دور، رنگش سفید مثل برف... نرم نرمه مثل پر، یک پلیکان اومده... پلیکان خنکه... پلیکان مهربونه... پلیکان به دنیای دیگری تعلق داره.»

کوتاه «پرویز کیمیاوی»

از: محمد تهامی نژاد

تپه‌های قیطره ۱۳۴۷

این فیلم که خود او نام گزارش بر آن نهاده، یکی از بهترین فیلم‌هایی است که تاکنون در تلویزیون راجع به «سند» ساخته شده است.

گرچه فیلم مستند «تخت جمشید» (۱۳۳۹) ساخته فریدون رهنما نوع نگرستن به سند را در گون ساخت و یا نیشدارو اثر منوچهر انور از نظر تکنیکی تقریباً اوج کار هائی در زمینه این نوع فیلم‌ها بود. اما دید پرویز کیمیاوی باز نوع خاصی از نگرستن به سند است و بهترین خاصیتش این است که با فرار از عامل، اغلب مزاحم گفتار بسوی تصویر ناپ است.

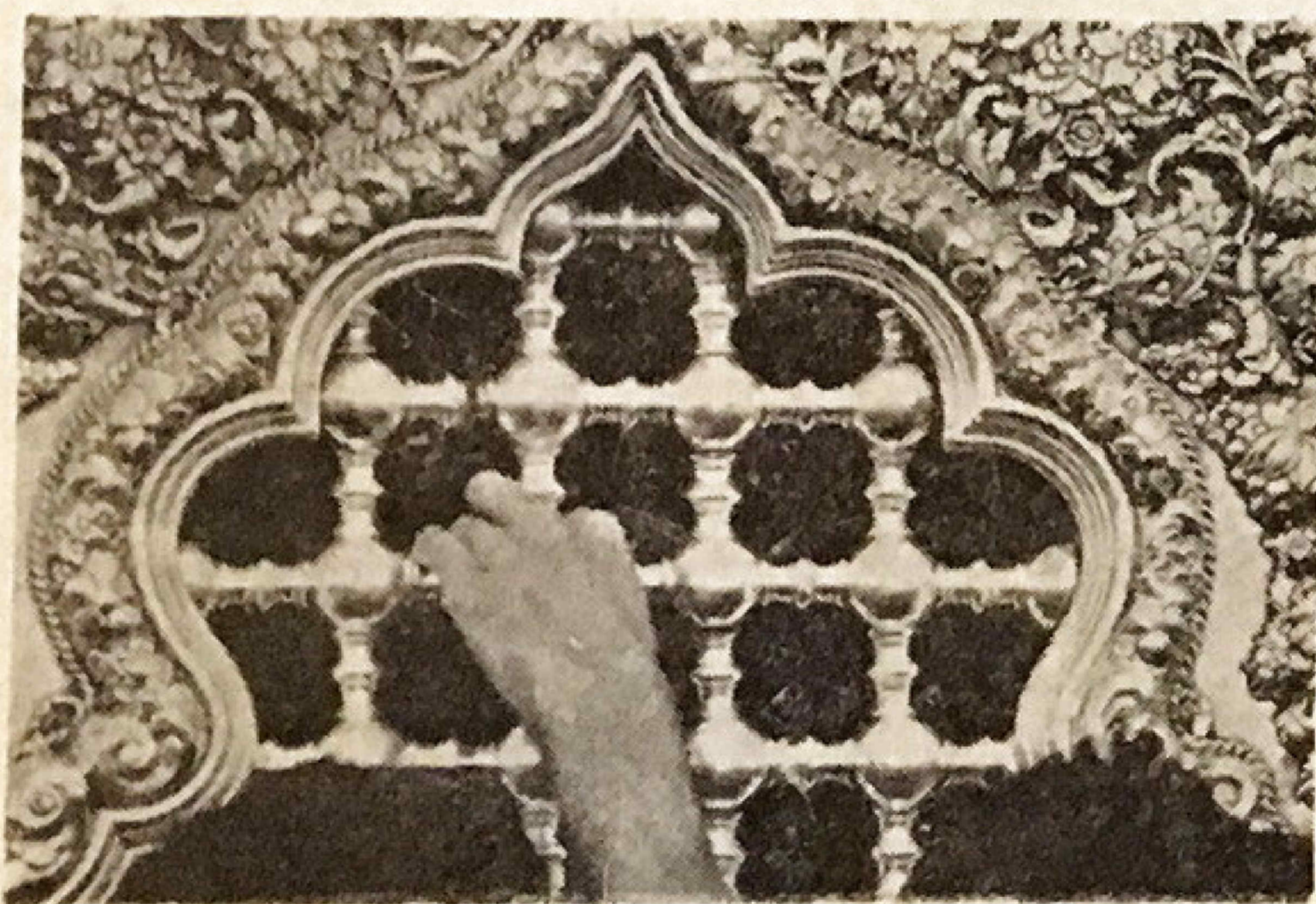
فیلم، ماجرای خماریهای قبور اجداد فقیر تهرانی هاست که چند سال پیش در قیطره (شمال شرقی تهران) انجام شد و تاریخ تهران را به سه‌هزار سال پیش رساند، و باین ترتیب این فیلم می‌توانست یک کار خیری بسیار ساده باشد در حالی که کاملاً در شرایط ممتاز و متفاوت است.

فیلم با صدای مونس برای ارتباط با دنیای زیرین آغاز میشود و با کوبیده شدن میخ و ریسمانهائی که قطعه‌های از زمین پیش از این تاریخ را در مستطیلی محدود کرده است، بیننده با محدوده‌های از تاریخ ارتباط برقرار می‌کند. سرکارگر گروه حفاری از زمین صدای طپش قلب می‌شنود و باستانشناس را خبر می‌کند. این خود وسیله‌ایست برای نمودن شیوه بسیار محتاطانه‌ی حفاری تا اینکه جسدی به دست می‌آید. در صحنه‌ی بعد دوربین روی دست، مجسمه‌ای را که باستانشناس برای قراردادن در آفتاب از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر حمل می‌کند، لعقپ مینماید. با صدای یک جت، باستانشناس دستش را روی چشم مجسمه می‌گذارد و او را از وحشتی که آرامش کهن سه‌هزار ساله‌اش را تهدید می‌کند دور نگه میدارد و سپس بار دیگر دوربین روی دست، بین گورها بحرکت در می‌آید.

سکانسهای دیگر فیلم گرچه تراشی هستند ولی در ارائه آنها ظرافت خاصی بکاررفته است. از جمله پوشاندن اسکلت‌ها با نایلن که اگر چه کاری عادیست ولی بابر داشت و تصویر برداری سرشار از ظرافت کیمیاوی به‌ویژه با میزانسنی که او به کارگراها داده، بسیار دلپذیر است و موزیک «آوای مردگان» اثر مونسارت که بجا بکار گرفته شده، لطف و اثر این



● پرویز کیمیاوی در حال کارگردانی صحنه‌ای از فیلم «یا ضامن آهو»
● صحنه‌ای از فیلم یا ضامن آهو



صحنه‌ها را کامل میکند. و وقتی دیزی سفالینی که پس از سه هزار سال خارج می‌شود و دست لرزانی با یک فاشقوغرفی درونش را بهم می‌زند، صحنه‌های هیجان انگیز و جلب کننده‌ای، فیلمبرداری و تصویر شده است.

کیمیاوی، به افه‌های صوتی علاقه خاصی دارد (که چنانچه بعداً اشاره خواهیم کرد در «یا ضامن آهو» بیشتر است) مثل صدای غرش هواپیما بین گورها که به نوای ترومپت، ناستوپاتی، ختم می‌شود و در این فیلم اثر تصویر را چند برابر کرده است.

در صحنه‌ای از فیلم، کاسه کوزه‌ها که بقول خیام هر کدام کله‌ی یک امیر یا یک کارگری و یا یک یار زیبارو بوده، در داخل چادر به گفتگو و نجوا می‌پردازند و تلویحاً عدم رضایتشان را از بازگشت بدنای برآزدحام زندگانی ابراز می‌کنند - دنیائی که سه هزار سال پیش برای بازگشت مجدد به آن، کوزه و غذا و شمشیرشان را همراه کرده‌اند - و این

گوناگون، با هنرمندان، متظاهران، هیپی‌های اینجا و جاهای دیگر و مردم عادی و غیر عادی هایش برای هر فیلم ساز نکته سنج، عرصه بسیار جالبی است. جلال مقدم، محمود خسرو شاهی، رابینباخ و پرویز کیمیاوی چهار فیلم کاملاً متفاوت از این مراسم و برنامه‌های ساختنند.

در فیلم پرویز کیمیاوی دو کودک شیرازی بردیا حکیمی و گلی کشمیری جشن را دنبال می‌کنند و جانی که کسی مثل گرونیسکی با تفریح زشتش (که شاهد بودم) مانع فیلمبرداری می‌شود و یا حتی گروه «نان و عروسک» با آدا‌های خاصشان اطوار می‌آیند! کیمیاوی به آسانی نمیگذرد و همچنان که شهر هرنک دستاویز خوبی برای او بوده است. فیلمبرداریها: نعمت حقیقی -

پرویز نبوی

صدای بردار - اسدیان

رنگی - ۲۵ دقیقه - ۱۶ میلیمتری

یا ضامن آهو

در این فیلم نیز کیمیاوی هرچه بیشتر از تأثیر صفا بهره گرفته و مثل «حفاریهای قیطره» صدا را عامل اساسی دراماتیک فیلم کرده است. از نماه با تراولینک روی دست، به راهروها میرسد و سپس به نمایش لوسترهای عظیم و آینه‌کاری‌ها می‌پردازد با صدای مرد رنج کشیده‌ای که امام هشتم را می‌خواند، اهمیت و اثر کار را به اوج میرساند.

نقش مردم در این فیلم، فوق‌العاده زیاد و ابتکار ناپذیر است. کیمیاوی در گفتگویی بین گفت (شماره دوم مجله‌ی تماشا) : هر روز در مشهد اتفاقاتی می‌افتد و من سعی کرده‌ام تا آنجا که ممکن است، موارد برگزیده و جالبی از این اتفاقات را برگزینم و تصویر برداری کنم... با این ترتیب «یا ضامن آهو» را نمیتوان یک فیلم مستند نهی از اندیشه بقیه در صحنه ۳۶

فیلمبردار - اسماعیل امامی

منشی صحنه - شکوفه شاکری

سیاه و سفید - ۱۴ دقیقه -

۱۶ میلیمتری ساخته شده در

قسمت پژوهش تلویزیون مای ایران

جشن هنر شیراز

شیراز با جشن هنرش، با آدمهای



صفحات ویژه فیلم مغولها

«ستاره سینما» نخستین نشریه هفتگی جهان است که اخبار مصور مربوط به این رویداد مهم بین‌المللی را در زمینه امور سینمایی، منتشر میکند

گزارش از: بهمن مقصدلو

اولین گام اساسی برای جهانی شدن سینمای ایران

ساعت ۱۶ دقیقه بعد از ظهر روز منبه سیزدهم بهمن ماه هنرمندان و کادر فنی فیلم «ده بومی کوچولو در مهمانسرای شاه عباس» وارد تهران شدند و در فرودگاه مهرآباد از طرف بعضی از اعضای اتحادیه تهیه کنندگان ایرانی و خبرنگاران نویسندگان سینمایی مطبوعات استقبال شدند.

در سالن گمرک فرودگاه مهرآباد بلافاصله پس از ورود هنریستان یک مصاحبه مطبوعاتی کوچک و سرپائی تشکیل شد و «سیمک پور زند» سردبیر مجله ستاره سینما اولین سؤال را مطرح کرد و نظر جنلگی آنها را در مورد سناریو پرسید: همگی اظهار خوشوقتی کردند که در این فیلم بازی دارند و موفقیت و فروش جالب توجهی را برایش در بازارهای جهان پیش بینی کردند.

«الیوریدا» در جواب یکی دیگر از خبرنگاران گفت: با وضعیت فعلی فیلمسازی، تهیه فیلم‌های مشترک‌بهترین شیوه برای دستیابی به یک‌بازار خوب و یک‌برگشت اقتصادی قابل توجه است و ایران به این وسیله می‌تواند، کشور و سینمای خود را بیشتر ازین به جهانیان بشناساند.

سپس «الک زومر» هنرپیشه زیبای آلمانی که چندسال قبل برای بازی در فیلم «قهرمانان» به ایران سفر کرده بود، از سفر دوباره خود به ایران اظهار خوشحالی کرد و به دست دادن شناخت بیشتری از ایران را وسیله تهیه فیلم‌های مشترک یک‌هدف عالی دانست.

اما چون نتوانسته بودند بموقع‌عازم

سینمای ایران با حمایت فیلمسازان بخش خصوصی بارور می‌گردد و بتدریج چهره جهانی می‌یابد. تهیه فیلم‌های مشترک با کشورهای بزرگ فیلمساز سرآغازی است برای آنکه بتوان، صنعت سینمای ملی ایران را بصورت گسترده‌تری بخارج از مرزها برد. «ستاره سینما» که اینک بعنوان تنها نشریه سینمایی کشور در لیست مطبوعات بزرگ سینمایی جهان قرار دارد، از این هفته در جریان حادثه بزرگی که در سینمای ایران آغاز شده است قرار می‌گیرد و هر هفته دقیق‌ترین گزارش را پیرامون اولین فیلم مشترک ایرانی منتشر میکند.

برای بی‌گیری تهیه مطلب، عکس و خبریک گروه ویژه از همکاران مجله باصفهان سفر کرده‌اند که در هفته بعد گزارش آنها را مطالعه خواهید کرد.

ایران شوند، در نتیجه از گروه جدا مانده بودند و چند ساعتی بموارد تهران شدند.

از ایران هم هنرمند محبوب ناصر ملک مطیعی رسیده در این فیلم بازی می‌کنند.

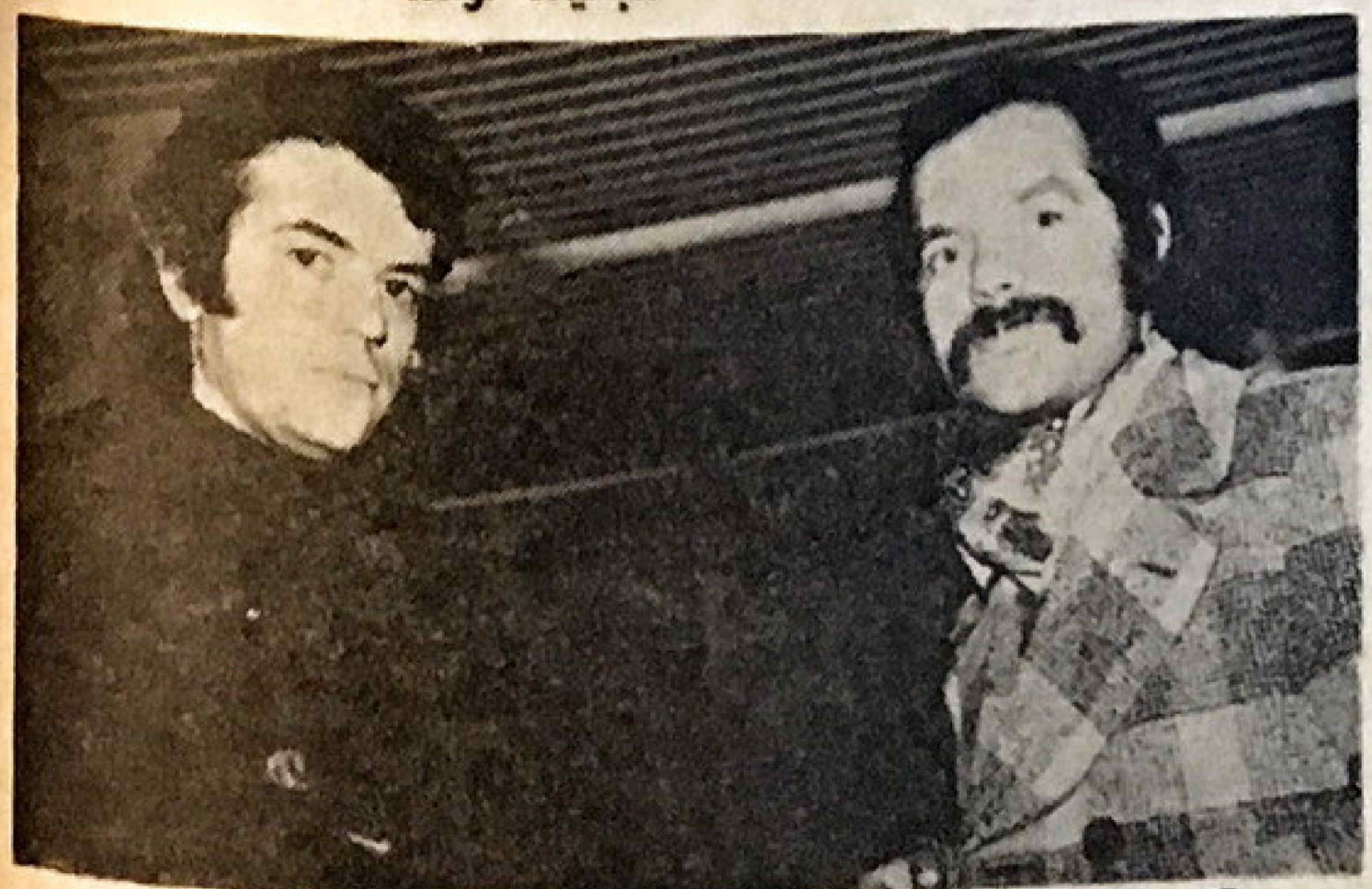
شرکت تعاونی تهیه و تولید فیلم که از مدتها قبل فعالیت جدی خود را آغاز کرده است در حدود دو ماه پیش به هنگام برگزاری جشنواره کان، تهیه مقدمات لازم برای تهیه این فیلم مشترک شروع کرد و طی این مدت با تماس‌های لازم مسافرت‌های متعدد تهیه‌کنندگان اروپائی به ایران و بالعکس، بالاخره این طرح مهم به مرحله اجرا در آمد.

مدیرعامل شرکت تهیه و تولید فیلم نورالدین آشتیانی است و در این شرکت گروهی از تهیه کنندگان فیلم‌های ایرانی از جمله میثاقیه، عباسی، رشیدیان جمشید شیبانی، رضا شیبانی و وحدت سرمایه‌گذاری کرده‌اند و همچنانکه از هدفها و فعالیت‌های این شرکت پیداست برای جهانی کردن شاعتی سینمای ایران اقدامات وسیعی انجام خواهند داد.

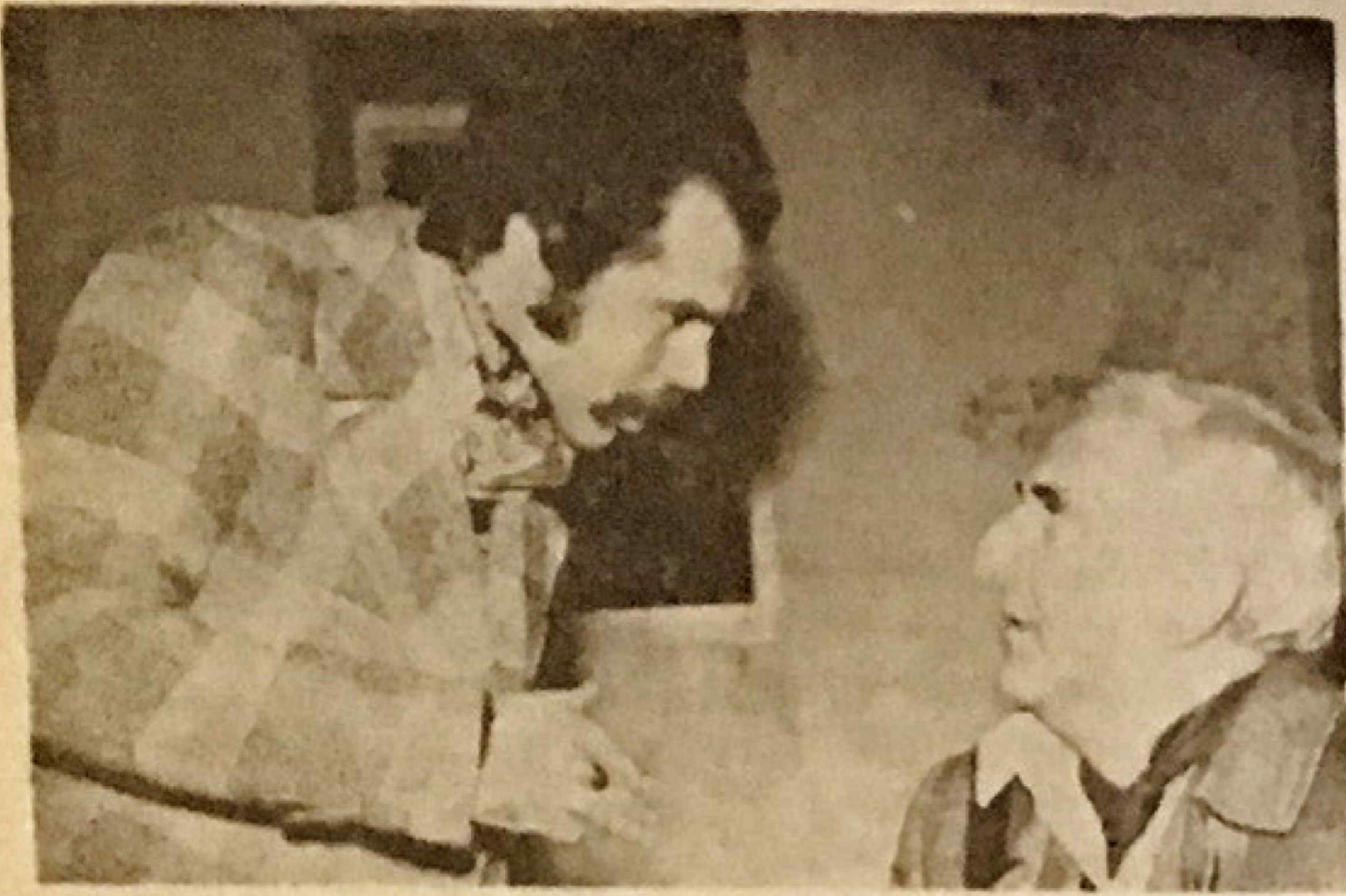
«ده بومی کوچولو در مهمانسرای شاه عباس» نام اولین فیلم مشترک شرکت تعاونی تهیه و تولید فیلم ایران و پنج کشور دیگر، آلمان، انگلستان، ایتالیا، فرانسه و اسپانیا است که برای تهیه این فیلم مجموعاً در حدود چند میلیون دلار سرمایه گذاری کرده‌اند.

این فیلم اقتباسی است از اثر معروف نویسنده چثانی نویس انگلیسی «آگاتا کریستی» که سالها قبل تحت عنوان «جزیره اسرار آمیز» توسط مترجم توانا «طبیح‌الله منصوری» به فارسی برگردانده شده است.

به جای جزیره‌ای که داستان فیلم آگاتا کریستی در آن به وقوع پیوندد، هتل شاه عباس اصفهان انتخاب شده که در فیلم شکل یک قصر افسانه‌ای شرقی را به خود می‌گیرد. البته قسمتی از آثار باستانی اصفهان و نیز برخی از نواحی جنوبی کشور نیز در صحنه‌های این فیلم گنجانیده خواهد شد.

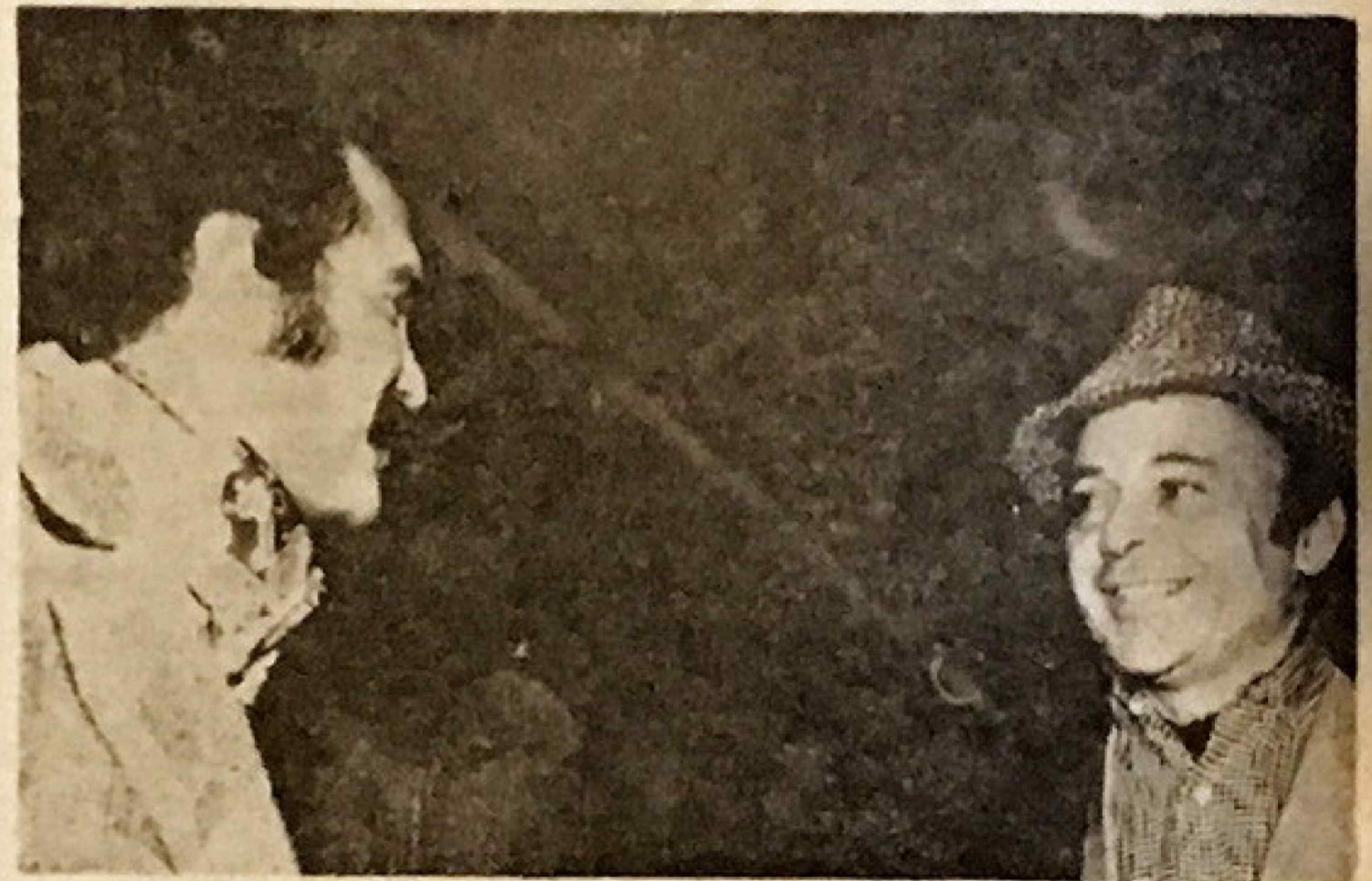


فرناندو آدیواس فیلمبردار فیلم «ده بومی کوچولو» و بهمن مقصدلو



● بیشتر ماجراهای فیلم «ده بومی کوچولو» در «مهمانسرای شاه عباس اصفهان» میگذرد و داستان این فیلم از بهترین آثار «آگاتا کریستی» نویسنده نامدار جنائی نویسنده انگلیسی است.

● با ورود هنرمندانی که از اروپا و آمریکا برای شرکت در فیلم ده بومی کوچولو به ایران آمده‌اند، شهر اصفهان جلوه و هیجان خاصی یافته است.



[www:// atige.ir](http://www.atige.ir) @atige

● هربرت لوم (سمت راست) و آدولف جلی (سمت چپ بالا) و گرت فروبه (سمت چپ پایین) و بهمن مقصدلو

«الیورید» به اتفاق الکزومر، هربرت لوم، وحدت و ناصر ملک مطیعی در حالیکه دستهایش را بعلامت پیروزی بلند کرده است.

این اثر آگاتا کریستی در گذشته دوباره توسط رنه کالر و آلن تاور ساخته شده است که بسیار مورد توجه قرار گرفته و این بار آلن تاور در مقام تهیه کننده، تصمیم گرفته، اثر تازه‌ای از این داستان تهیه کند که بطور رنگی و سینماسکوپ فیلمبرداری خواهد شد.

کارگردان این فیلم پیتراکالینسون انگلیسی است که اولین فیلم بلندش را در سال ۱۹۶۷ بنام پنتاوس ساخته است و از او طی دو سال گذشته دو فیلم حرفه‌ای ایتالیایی و هراس راندن تهران دیده‌ایم. پیتراکالینسون هفته قبل به تهران آمد و بلافاصله به اصفهان رفت که محل های فیلمبرداری را انتخاب کند تا هنگامیکه گروه هنرپیشگان و کادرفنی‌اش به ایران سفر می‌کنند اشکالی پیش نیاید و تاخیری در شروع کار رخ ندهد.

فرناندو آدیواس فیلمبرداری این فیلم را انجام می‌دهد که بسیار جوان است و جایزه اسکار هم گرفته و طی سال گذشته با کارگردانی چون «جان فرانکن هابیر» و جویس هیل کار کرده است.

او آخرین فیلم پیتراکالینسون را هم بنام شون فیلمبرداری کرده‌است.

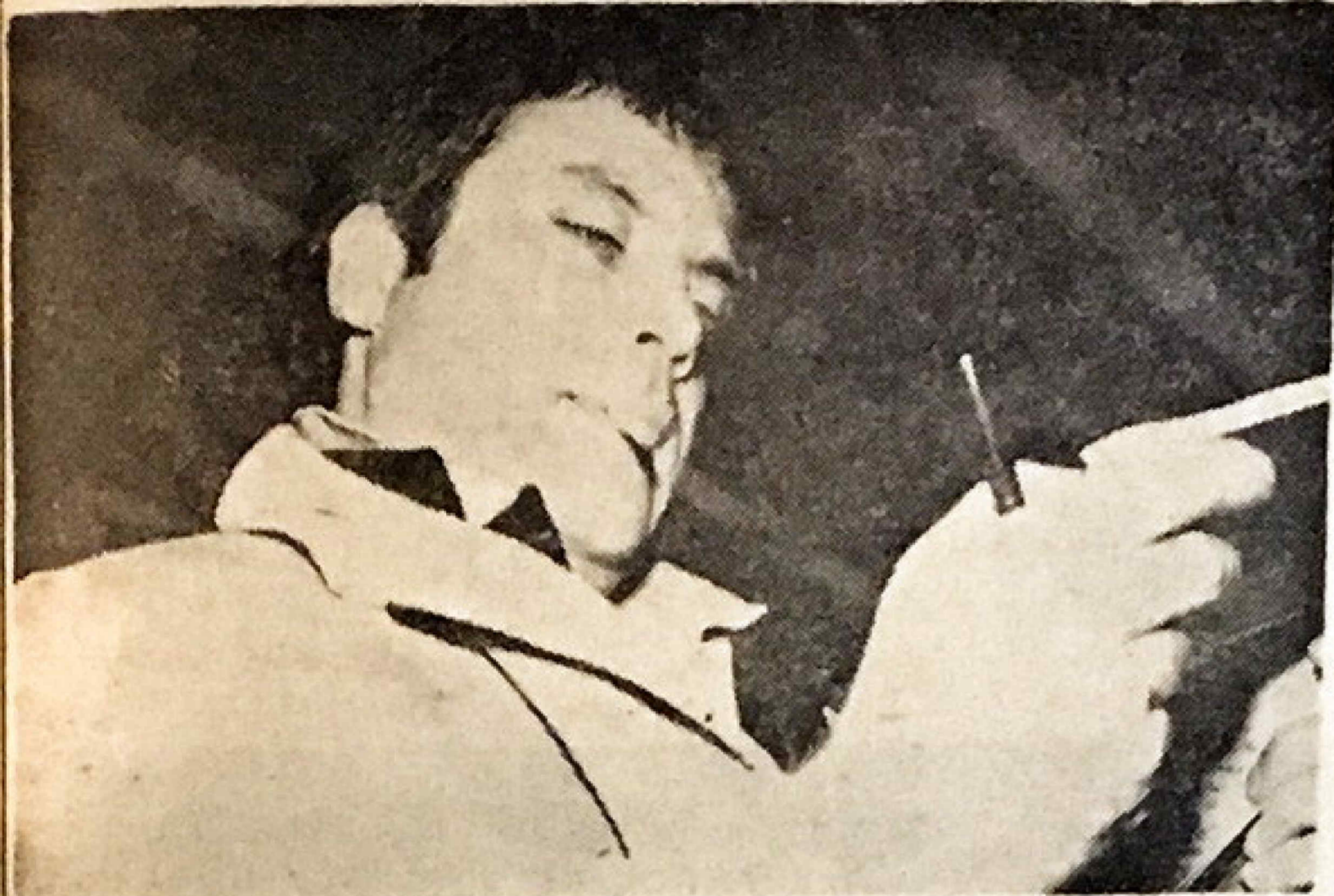
atige.ir

ورق بزنید

وب سایتی متفاوت



گفتگوی کوتاه با آلیور رید



الیور رید سرگرم پر کردن پرسشنامه ورود به ایران بود که خودم را به او معرفی کردم. با خوشحالی دستم را فشرد، باو گفتم از اینکه نقش اول فیلم ده بومی کوچولو را بتو داده‌اند چه احساس می‌کنی؟ گفت احساس غرور و رضایت همراه با خوشحالی بیش از اندازه چون در کنار من هنرپیشگان بزرگ دیگری بازی دارند و ماجرای فیلم در شهر قدیمی و زیبای اصفهان که مدتها آرزوی دیدارش را داشته‌ام، می‌گذرد.

گفتم ما تو را برای اولین بار با فیلم دام شناختیم که هنرمند توانای تاتر انگلستان ریتاشانینگهام نقش مقابل تو را داشت، سری تکان داد و گفت خود بهترین راه را در این دید که با چنین نقشهائی استقبال کرده‌ام. گفتم تو که از تاتر به سینما کشیده شدی دلت نمیخواهد، دوباره به صحنه باز گردی؟ سری به حالت تاسف تکان داد و گفت: چرا، بینهایت به تاتر علاقه دارم ولی متأسفانه کار بی‌دردی در سینما وقت من را پر کرده است ولی گفتگوهائی در جریان است. نادر سال جاری در یک پيس بازی کنم. خواستم چند سؤال دیگری هم از او بکنم که اطرافمان شلوغ شد و فرصت از دست رفته ناچار با او خدا حافظی کردم و الیور رید مرا برای ایان دادن به گفتگویمان به اصفهان دعوت کرد.

برای تهیه این فیلم سه گروه فیلمبردار فعالیت دارند و علاوه بر چهل تن کارمندان فنی خارجی و نیز کارگردان، فیلمبردار و متصدی نور و گرمیور، برای بقیه کادر فنی از کارشناسان ایرانی استفاده شده است.

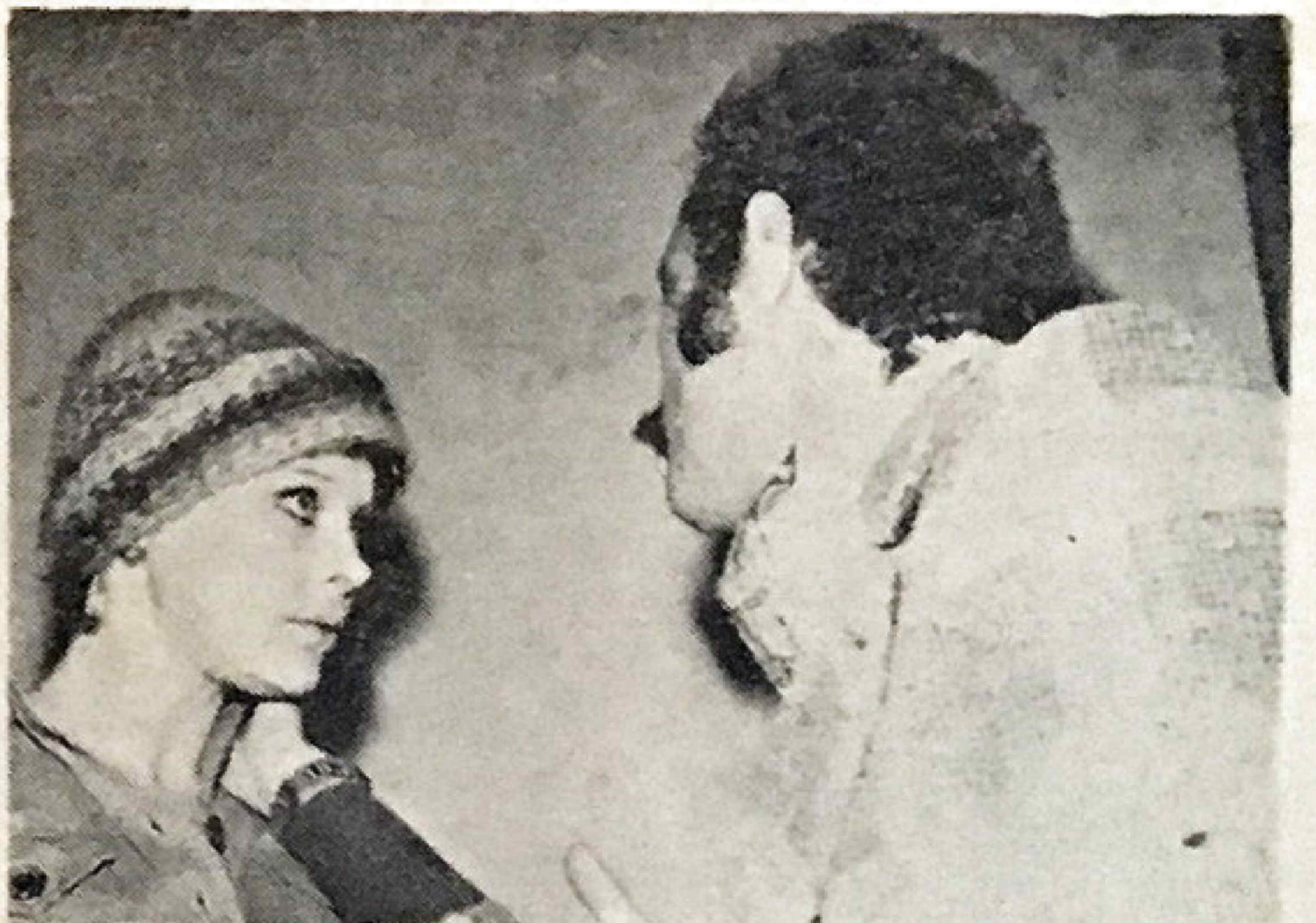
کادر فنی و فیلمبردار فیلم فرناندو آریواس همانشب پس از چند ساعتی در تهران رهسپار اصفهان شد و کلیه هنرپیشگان روز بعد (یکشنبه) به اصفهان رفتند چون طبق برنامه تنظیمی فیلمبرداری ده بومی کوچولو از صبح روز دوشنبه ۱۵ بهمن ماه مطابق با چهارم فوریه می‌بایستی شروع می‌شد.

از جمله هنرمندان ایرانی که به استقبال هنرپیشگان و کادر فنی ده بومی کوچولو به مهرآباد آمده بودند نصرت‌الله وحدت و ناصر ملک مطیعی و از تهیه کنندگان علی عباسی و جمشید شیبانی و همچنین «نورالدین آشتیانی» مدیر عامل شرکت تعاونی و تهیه فیلم بودند.

استفانی آودران همسر کلودسارول کارگردان فرانسوی است که از او چندی پیش فیلم دکتر پوپول با شرکت ژان پل بلوندو را در تهران دیدیم.

گفت: بسیار خوشحالم که از جمله هنرپیشگان «ده بومی کوچولو» هستم،

گفتگوی کوتاه با آلکزه زومر



آلکزه زومر را در سفر قبل که چند سال پیش برای بازی در فیلم قهرمانان به کارگردانی ژان گولسکو به ایران کرده بود ندیده بودم ولی اینطور که از حرکات و سخنانش بر می‌آمد از سفر دوباره به ایران راضی و خوشحال بودم. این را چندبار بمن تاکید کرد. باو گفتم فیلم قهرمانان که شکست خورد در مورد ده بومی کوچولو چه نظری داری؟

گفت: موفقیت این فیلم را عرض نمی‌کنم. گفتم دیگر سروصدائی از تو در عالم سینما بگوش نمی‌رسد؟ شانه‌ها را بالا برداخت و جوابی نداد و گفت بهتر نیست فردا حدود ساعت یازده صبح به

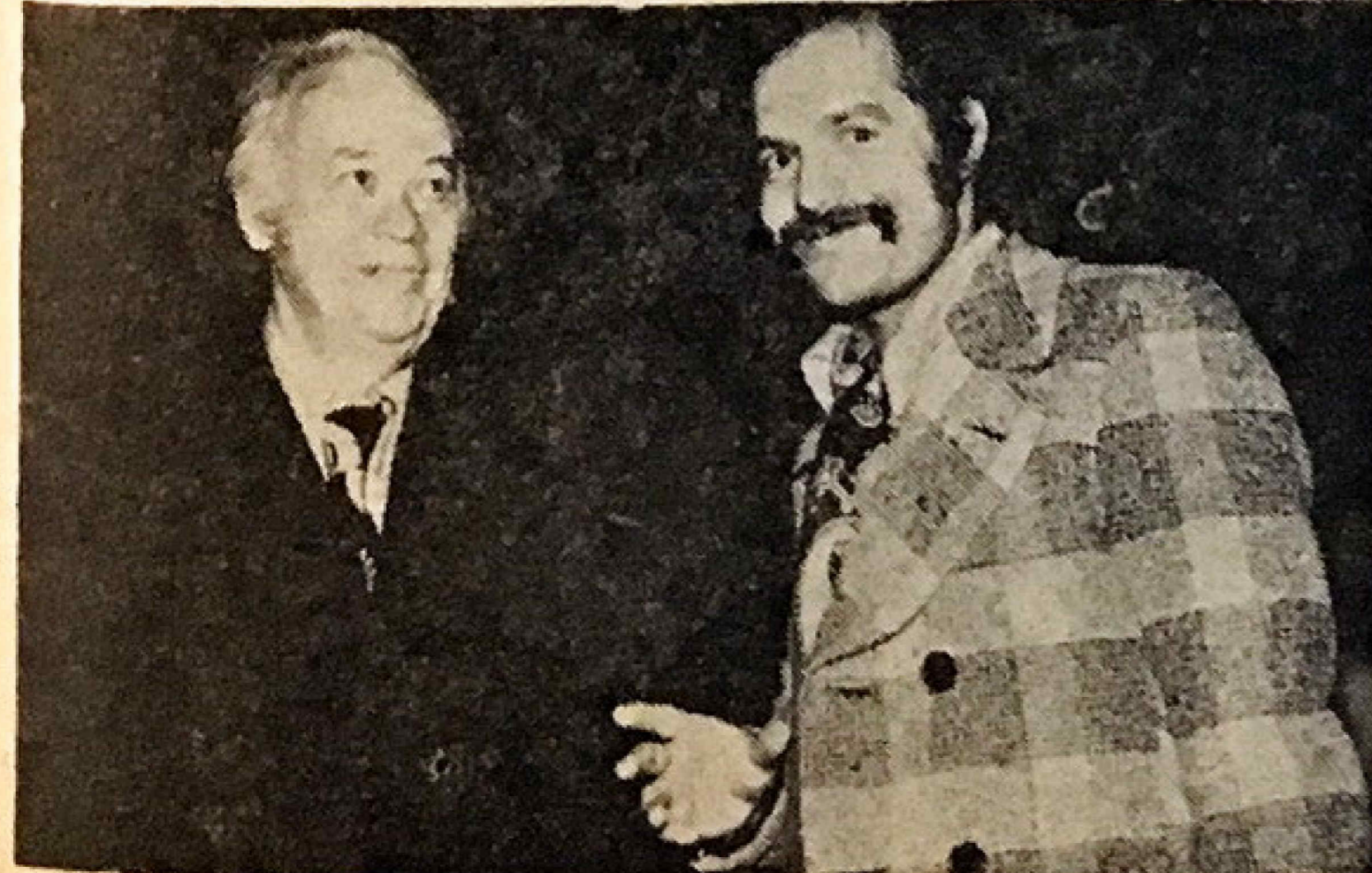
پارک هتل بیانی که مفصلا گپی بزنیم، گفتم انشاءالله اگر فرصتی شد در اصفهان همدیگر را خواهیم داد چون شما فردا ظهر به محل فیلمبرداری خواهید رفت پس همین چند لحظه غنیمتی است و بلافاصله نظرش را درباره همبازیش، ستاره زیبای فرانسوی استفانی آودران پرسیدم که با حالتی خاص جواب داد باو فوق‌العاده احترام می‌گذارد و برایش ارزش بسیاری قائل است و از اینکه با او و چندتن از هنرپیشه های صاحب نام اروپائی همبازی شده خوشحال است.

چرا که یکی از سرمایه گذاران این فیلم کشور ایران است.

هربرت لوم هنرپیشه انگلیسی کلاه فشنگی بر سر داشت و دیرتر از سایرین شناخته شد و حباب و حیای بیش از اندازه اش گیراترین صفت او در دیدار نخستین است.

فرناندو آریواس فیلمبردار ده بومی کوچولو را هیچیک از مخبرین و عکاسها نشناختند و سرافش را هم نگرفتند، گویا منظور فقط هنرپیشگان شناخته شده بودند و کادر فنی و فیلمبردار برایشان مطرح نبود.

● «آلن تاورا» تهیه کننده و بهمن مقصدولو





فیلم‌های ایرانی در دست تهیه و آماده نمایش

شوفر تاکسی

● «محمود کوشان» که اینک مشغول انجام امور فنی کارتهای «اوسا کریم، نوکر تیم» می‌باشد از این هفته کارگردانی و فیلمبرداری، فیلم دیگری را در باره فیلم آغاز کرده است بنام «شوفر تاکسی» که سناریوی آنرا فریدون گلش نوشته است. در این فیلم متوجه می‌شویم وثوق، گلشن، میری، سعیدی و جمشید مهرداد نقشهای اصلی را بازی میکنند.

درخونگاه

● نام اولین فیلم طویل «هادی صابر» از مسلخ به درخونگاه تغییر یافت. برای این فیلم که محصولی است از گروه آزاد نمایش و توسط علیرضا زین‌دین دست فیلمبرداری میشود، سعیدراده، نوری کسرائی، عنایت بخشی، محمود بهرامی و پرویز صیاد در یک تپ کاملاً تازه نقشهای اصلی را بعهده دارند.

گروه سازندگان درخونگاه بعد از اتمام کار در تهران اینک در آبادان و بندر عباس سرگرم ساختن مابقی آن میباشند. درخونگاه را پرویز صیاد تهیه‌مینماید.

فردین بعد از «همراهان»

● با اتمام فیلمبرداری همراهان که بالاخره بعد از چند ماه پایان‌رسید، اینک فردین خود را برای شرکت در فیلم تازه‌ای از فریدون زورک آماده‌مینماید. این فیلم محصولی است از سازمان سینمایی زورک که نام آن و سایر بازیگرانش را در شماره‌های آینده به اطلاع خواهیم رساند.

گفته میشود سازندگان فیلم همراهان برای آنکه فکر می‌کردند نام قبلی آن ناچورها در گرفتاریهایی که برای تهیه آن پیش آمده بود نقش اساسی نداشته است، نام آنرا از ناچورها به همراهان تغییر دادند و اینک با اتمام آن تصمیم دارند مجدداً نام آنرا به ناچورها تغییر دهند!!

دختران بلا، و مردان ناقلا

● نظام فاطمی یکساعت از فیلم تازه‌اش را بنام دختران بلا، مردان ناقلا برای نمایش فیلم کارگردانی کرده است. در این فیلم که سناریوی آنرا «احمد نجیب

زاده» نوشته و توسط قاسم‌وند فیلمبرداری میشود منوچهر وثوق، شیراندازی، هاله فدکچیان، پرستو، آزبنا و میری شرکت دارند. دختران بلا، مردان ناقلا را رضا شیبانی تهیه مینماید.

دزد میلیونر

● فیلمبرداری یکی از محصولات جدید استودیو پارس فیلم بنام دزد میلیونر این هفته پایان میرسد. در این فیلم که سناریست و تهیه کننده آن دکتر اسمعیل کوشان و کارگردان و فیلمبردارش احسانی است - عارف، آرام، میری، سمسارزاده، آفاقانی، رضا شفیع، رخشانی، مهری و دادیان، درویشی، چهره جدید شادی، نادره، شراره و جمشید مهرداد شرکت دارند. مهندس‌هایون خرم، پرویز مقصدی، زندی و جهان‌بخش بازوکی، پنج آهنگ تازه برای این فیلم ساخته‌اند که عارف آنها را اجرا کرده است.

«یاران» در دست مونتاز

● از این هفته مونتاز فیلم یاران نخستین فیلم سینمایی محمد دلجو و امیر مجاهد نویسندگان مطبوعات توسط خود آنها آغاز شد. در «یاران» که یکی از فیلمهای جنجالی امسال است، فرزاد دلجو، داریوش (خواننده جوان)، آبلین، جلال، آرش و آرمان شرکت دارند و امور فیلمبرداری آن، در تهران و خرمشهر توسط «پطروس بالیان» انجام گرفته است.

بالای شهر پائین شهر

● قرارداد تمام فیلم عروسکها محصول جدید پارس فیلم از عروسکها با بالای شهر، پائین شهر تغییر باید. در این فیلم تفریحی که بکارگردانی خسرو پرویزی توسط حسن یادگار فیلمبرداری شده، چنگیز وثوقی، سعیده، آرام، شیراندازی، میری، سمسارزاده، مهری و دادیان، رخشانی، حسن رضایی،

مهران صدقی و جمشید مهرداد شرکت دارند. شماعی‌زاده سه آهنگ تازه برای این فیلم ساخته که گوگوش آنها را اجرا کرده است.

آذر شیوا به سینما بازگشت

● «آذر شیوا» ستاره‌ای که از چند سال قبل با سینما فتر کرده بود، از زمانی که با شرکت در مراسم توزیع جوایز پنجمین دوره جشنواره سینمایی سپاس فرار شد مجدداً با سینمای ایرانی‌اشی‌نماید همواره با پیشنهادات سازندگان فیلمهای ایرانی مبنی بر شرکت در فیلم مواجه بوده است ولی به هیچکدام این پیشنهادها جواب مثبت نداده بود. اما بطوریکه این هفته مطلع شدیم به پیشنهاد استودیو میتافیه برای بازی در کار تازه‌ی مسعود کیمیایی موسوم به «گوزنها» جواب مساعد داده است و فرار است از اواسط فروردین ماه همراه بهروز وثوقی و فرامرز فریبیان در این فیلم شرکت نماید.

فیلم جدید ملک مطیعی

● ناصر ملک مطیعی قراردادی با جمشید شیبانی مدیر عامل سازمان سینمایی تخت جمشید و شرکت تصاویر بستاست تا بموجب آن، فیلمی با شرکت‌های او تهیه نماید. ملک مطیعی بار دیگر در این فیلم با لباس و قیافه جاهلی ظاهر خواهد شد و «داود اسمعیلی» آنرا کارگردانی مینماید. نام فیلم وسایر بازیگران آنرا در شماره‌های آینده به اطلاع خواهیم رساند.

قصه خیابان دراز

● گنجوی در استودیو ایران فیلم سرگرم مونتاز اولین فیلم طویل محسن تقوایی موسوم به قصه خیابان دراز است. در این فیلم که فیلمبرداری آنرا محمد نهرانی در بندر لنگه انجام داده است منوچهر احمدی نقش اول را بازی نموده و بجز از چند هنرپیشه آماتور مختلفه حسین حاجت‌پور، رضاعباسی نژاد، محمد پولاد و جهان بخشی نیز در آن شرکت دارند. قصه خیابان دراز اولین محصول سازمان سینمایی اثر است.

عطر و منتر

● نام فیلم منار جمجم محصول شرکت سهامی سینما تئاتر رکس به عطر و منتر تغییر یافت. در این فیلم که بکارگردانی امیر شروان توسط کمال مطیعی فیلمبرداری میشود، بیباک ایمانوردی، فریبا خانی، میری، نادیا، محمدعبیدی و منوچهر پوراحمد شرکت دارند. سناریوی عطر و منتر را احمد نجیب زاده نوشته است.

صدا برداری «اوسا کریم»

● این هفته صدا برداری فیلم اوسا کریم، نوکر تیم زیر نظر چنگیز جلیلووند در استودیو پارس فیلم انجام شد. در این فیلم که برنامه نوروز گروه اونیورسال است و بکارگردانی محمود کوشان و توسط خود او فیلمبرداری شده

است، ملک‌مطیعی، مرضی عقیلی، گلشن، نادره و عسکری دیگر شرکت دارند. سناریوی این فیلم با پرویز خطیبی نوشته است و آکبر گلپایگانی آهنگ تازه‌ای در آن خوانده‌است.

آقای جاهل

● ناکتون یکساعت از محصول جدید مهرگان فیلم تخت عنوان آقای جاهل بکارگردانی میر لوسی توسط احمد شیرازی فیلمبرداری شده است. در این فیلم که سناریوی آنرا ناصر محمدی نوشته و امور بخش آن بعهده سازمان سینمایی پانوراما است، همایون، مرضی عقیلی، آرا، هاله نادیا و بهرام رهنموی شرکت دارند.

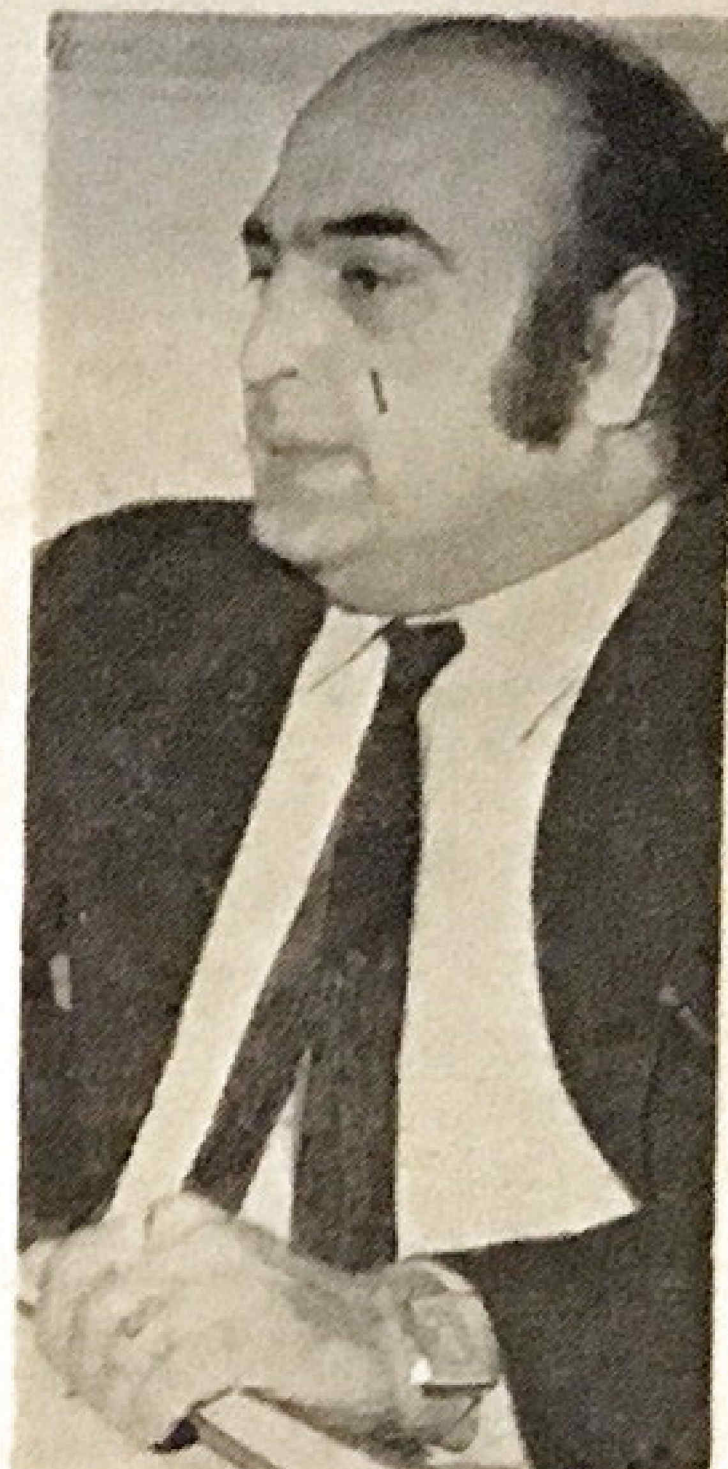
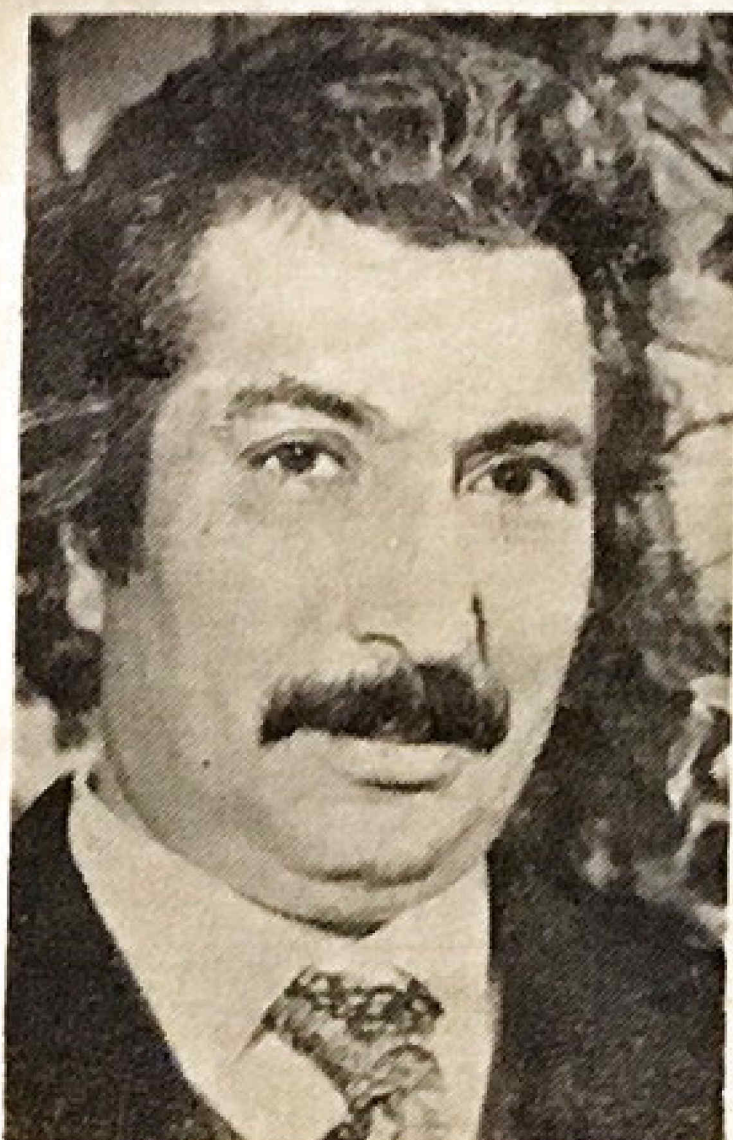
رفاقت

● «منوچهر طایفه» که امسال فیلمهای باجناق و تعقیب تا جهنم را را او دیدیم، در صدد تهیه فیلم تازه‌ای است بنام رفاقت که مصمم است برای اولین بار علاوه بر تهیه خود آنرا کارگردانی نیز بکند. سناریوی رفاقت را بازیگران نوشته و قرار است بجز منوچهر طایفه و همایون اشکان، چند هنرپیشه دیگری نیز در آن فیلم بازی کنند.

مراجعت فرانک

● فرانک میرفتاری که سال ۲۸ با شرکت در فیلم تپه عشق از ساموئل حاجیکیان فعالیت سینمایی خود را شروع کرد و چند سال نیز زوج هنری بیباک ایمانوردی بود، در سالهای اخیر بخاطر ازدواج و سفر به آمریکا، به خودی خود از بازی در فیلمهای ایرانی کنار رفته بود و اخیراً بار دیگر بعنوان مراجعت نموده و مصمم است دعوت فیلمسازان را برای بازی در فیلمهای جدید فرانک که هفته گذشته برای اولین بار با حضور در جلسه نویسندگان سینما در یک جلسه هنری شرکت می‌کرد اینک دوباره پیشنهاد چند فیلمساز مطالعه مینماید.

بود. صمیمانه احترامی را که بیش از این برایش قائل بودم حفظ می‌کردم و بحث، رنک‌دیگری بخود می‌گرفت، در حالی که آقای دکتر منوچهر جهان بیگ‌لو که مدعی است، از سفره گسترده و بنگ و باده هایدی نمیبی نداشته، ظاهراً به عنوان دفاع از این مخدره، مسائلی را مطرح کرده است که بطور آشکار تایید نظرات این قلمزن کم‌مقدار است. من گفته بودم هایدی می‌توانست خواننده خوبی باشد. نیست و بعد گفته بودم هایدی به الکل پناه برده است و جز آقای دکتر منوچهر جهان بیگ‌لو کیست که نداند الکل، جذام صوت است؟ و هر خواننده‌ای که به الکل پناه برده با دست خود گور صدای خود را کنده است؟ آقای جهان بیگ‌لو که مدعی هستند نشریات هنری باید عرصه انتقاد سازنده باشد و خود را مدافع جوهر هنر و هنرمند معرفی می‌کنند



« سیاوش بشیری » در پاسخ « دکتر منوچهر جهان بیگ‌لو » نوشته :

« هایدی » با این صدای خسته، خواننده او هم مانند بیشتر خوانندگان ایران، طعمه واسطه‌ها

با تایید سفره گسترده و بنگ و باده هایدی، تند از ماجرا می‌گذرند، چرا که صلاح نیست مانند این قلمزن ساده برده در باشند. من گفته بودم هایدی پا جای پای سوسن و مهوش گذاشته است. در چاپخانه «پا» از جلو «پاجای پای» افتاده بود و ایشان هم همان غلط را تکرار کرده و نوشته‌اند:

آخر سوسن در کدام کلاس و کدام مقام هنری جای داشته که حال هایدی بخواهد جا پای او بگذارد؟ آقای جهان بیگ‌لو چماق تکفیر را برداشته. و بیرحمانه بقول خودشان بخاطر این قیاس مع الفارق این قلمزن را ریاکار و فریب دهنده خوانده‌اند و در پایان نامه خود همین قیاس را با یک مثال، موجه جلوه داده‌است. مردی که مرا بخاطر مقایسه هایدی با سوسن تکفیر می‌کند، می‌نویسد:

... اینها یاد گرفته‌اند که دروشی فتر می‌آوردو سراهای فریبای زندگی امروز، آنها را بخود میخواند. چرا هایدی فلان سیستم ماشین را نداشته باشد؟! در حالی که خوانندگان لاله زاری و سفله‌های هر جانی بر مرکب هائی پرزرقو برق سوارند؟! ییا

به آن زبان تنها عربده کشان نیمه شب کافه‌ها، جاهلهای کلاه مخملی فیلم های ایرانی و در سطحی بالاتر دیالوگ‌نویسهای فیلمهای وسترن در ایران می‌توانند سخن بگویند، نممن که کلام رامقدس میدانم ونویسنده رامودب!

نخستین صفحه پاسخنامه آقای جهان بیگ‌لو تا آنجا که من برشمرم ۳۲ مورد ناسزا، فحش و دشنام برای من همراه داشت. این عزیز، مرا به دفعات بداندیش، بی‌انصاف و ناانسان، ریاکار، فریب دهنده، خودپرست، ناآگاه، سرخورده از غرور، برده‌در، ناسپاس و خودخواهی که در پی جمع کردن نواله‌است: بددلی که مغزش در کاسه سرمنجمد شده، خطاب کرده و نوشته‌ام را که دربر گیرنده نظراتم است و بی‌شبهه در آزادی جامعه، بهر حال قابل احترام، ناروا، داوری‌های غلط و مغرضانه و خرعبلات نام نهاده است.

... و من به این چنین مردی چگونه پاسخ دهم که جواب آینده او، لبالب از ناسزاهای ناموسی نباشد! بهر حال، اگر با اینهمه ناسزا گوئی، توفیق رد نظرات مرا پیدا کرده

جنازه این عزیز را بدوش گرفته‌ام، بیش از همه داغدارم و بیش از همه نیازمند تسلا، چون به وسعت صداقت قلبم سوگند می‌خورم که نشناخته او را دوست داشتم، گرامی می‌شردم و گمان داشتم مردی است که موسیقی ملی می‌تواند از دانسته هایش بهره‌ها گیرد.

صحبت بر سر هایدی بود. زن چلچراغها که اینک با صدای خسته خود، از راهی که می‌توانست برود، باز مانده‌است و با فروش فضیلت خود، بعنوان یک طعمه در دام واسطه‌ها و دلالها، زاینده ثروت است و لذت آفرین محفل هوسبازه‌ها!

دکتر منوچهر جهان بیگ‌لو که موسیقی شناس است و منتقد مطلع موسیقی ایران، و از نویسندگان و پژوهشگران گرانقدر ایران به پاسخی گوئی برخاست و طی نامه‌ای مفصل سعی کرد، نظرات این قلمزن کم‌بضاعت را رد کند و از هایدی بزرگترین خواننده قرن بسازد!

زهی انصاف! ولی من در آن حد از شخصیت و ادب نیستم که نامه جهان بیگ‌لو را یزبانی که او نوشته است، پاسخ بدهم،

هرگر جنازه دوست را دشمن از زمین برنمیدارد و این که خاک بر گور می‌ریزد، دوستی است که عزیزش را از دست داده است. رنج می‌کند، ندبه سرمی‌دهد، اشک می‌ریزد و نوحه خوان جنازه عزیز را به گور می‌سپارد، که اگر چنین نکند، کالبد بی‌جان متعفن می‌شود، می‌پوسد و لاجرم حرمت عزت از میان می‌رود.

... و این دقیقاً حال و روزگار من است که باید جنازه « فضل و پیش» مردی را که سال‌ها چون بت تحسین کرده‌ام بدست خود در قمر گور فراموشی بسیارم تا متعفن نشود، نبوسد و عزتش پایمال نگردد. این مرد «دکتر منوچهر جهان بیگ‌لو» است. مردی که عصری در باور پذیرش‌های من بود و اینک به شرحی که بر می‌شمرم تا احد یک هیچ برایم تزل کرده است.

... و این را من نخواستم، خود او خواست که بی هنگام لب گشود و پس از سال‌ها سکوت افاده فضلی کرد که سالها چون صلیب رسوائی بسر آرامگاه شهرتش بیادگار خواهد ماند.